

مردم

دوشنبه ۲۶ شهریور ۱۳۹۷

۷ محرم ۱۴۴۰ | ۱۷ سپتامبر ۲۰۱۸ | سال سی و یکم | شماره ۸۷۸۴

حاشیه

گلزار شهدا تنها موزه‌های مردمی دنیاست



چندسال پیش بود که به بهانه قدیمی و خراب بودن برخی از سنگ‌ها در مشهد، یزد و یکی دو شهر دیگر، طرح یکسان‌سازی قبور شهدا کلید خورد و بدو هیچ توجهی به این که گلزار شهدای هر شهری موزه مردمی آن جاست و از نگاه مردم‌شناسی و حتی میراث فرهنگی بر اهمیت است. اصلاً یکی از دلایلی که پرمی برای شهید در تهران راه افتاده، زنده کردن همین موزه‌های مردمی است؛ «حتوات حمله‌ها و متن سنگ‌نوشته‌ها، که دایره‌المعارف بزرگ از تاریخ جنگ است. در طول دوران تاریخ هر آثار باستانی که الان هست را پادشاه‌ها درست کرده‌اند، اما آن چیزی که کا دست استاد مردم است و آن‌ها ایجادش کرده‌اند، گلزارشهداست که نمایانگر اعتقاد و باورهایشان است. یکسان کردن این قبور یا تعویض کردن سنگ قبرهای شهدا کار کاملاً اشتباهی است. حتی اگر از سر خیر خواهی یا خمت کردن به شهید باشد، ظرافت‌های طراحی شده روی سنگ مزار و اطلاعاتی که روی آن نوشته شده، بخش دیگری از ارزش تاریخی گلزار شهداست؛ اجز این گلزار شهداست، یعنی عملیاتی در فقه از سنگ مزار شهید می‌شود. فقهید یک سری کلمات و عبارات پشتوانه دار هم روی سنگ مزار نوشته شده که اگر حذف شود انگار بخشی از تاریخ حذف شده است. چیزهایی مثل بمباران شهری، بمباران شیمیایی، ساواک، شکنجه، نهضت، امام، انقلاب، صدام، دشمن، استکبار... حالا چطور می‌شود برای نسل بعد از بمباران شهری و شهدای گیشا و خزانه... گفت؟ چطور باور کنند مثلاً مردم تهران هر در خانه هایشان قربانی بمباران دشمن شده‌اند؟ جز سنگ نوشته که حافظه تاریخی مردم را رقم می‌زند، رکن دوم احجاری است. هر گل، شمع، دفتر و کبوتری که روی سنگ‌ها هجاری شده، نماد چیزی است. مثلاً کبوتر نماد پوزی از قس تن و شمع نشان یادگاری بازماندگان و روشنی راه شهیداست. متأسفانه به بهانه بسوب زدگی و جرم رفتگی سنگ عوض می‌شود، به جای آن سنگ‌های متحدالشکل می‌گذارند و فقط اطلاعات نامشخصی می‌نویسند؛ اما موضوع مهم همان شعر، چند جمله از وصیتنامه و علامت‌های روی قبور شهداست. این‌ها اگر از بین برود، بخشی از تاریخ جنگمان از بین می‌رود و نسل آینده شاید به هیچ عنوان نفهد که مثلاً جنگنده‌های عراقی تهران را بمباران می‌کردند و به همین راحتی خیلی‌ها می‌توانند دست به تحریف بزنند».

درباره پویشی مردمی که هدفش شاد

#برای_شهید

مردم: جامد کمالی (ما مردم تهران به رسم رفاقت استین‌هایمان را بالا زدیم تا مازار شهدایمان را رسوب‌زدایی و کرامت‌گیزی کنیم) این مزار این مردان مرد، زوهری و برادری و مادری و برتری کنیم. توی گوشه گوشه این بهشت مزاری هست که دست‌های شما و متبرک کنه. «و سه هفته پیش بود که این پرسید و هشتک #برای شهید در فضای مجازی زبانه زد» دست به دست شد. یک عده جوان پوشی را راه انداخته بودند تا به قول خودشان تونم موزه‌های مردمی، از عین همان لباس و تخریب بهشت (زهراس) هم را آغوش دیدن و تخریب نجات دهند. آن هم به روشی کاملاً اصولی که با تحقیق و بررسی به آن رسیدیم بود این شهید را در این چند هفته فعالیتش دل کلی مادر شهید را شاد کرده و از همه مهم‌تر خیلی از تهرانی‌ها آن را شناساند. این قدر که قزاق‌هایشان حسابی شلوغ می‌شود. طوری که خودشان توقعش را هم ندارند: امروز ناگهان زیاد شدیم؛ مردم رنج‌برداری و رنج‌گری کردیم، و هم با افراد آقایان رسوب‌زدایی شد. اگر دفعه بعدی بتوانیم اسلواک‌های سیمی (صنعتی) بخیریم، این دفعه رنج‌برداری‌مان چند برابر می‌شود. اما خوب این سوغات خیلی فقط به رنگ مرعوب و رنگ پاک‌کن رسید؛ دیوانه‌های شیرین بود، در حق کار والدین دو شهید که مزارهای پسرانشان را داشتیم رسوب‌گیری می‌کردیم سر رسیدند و از شدن یک سنگ مزاری بی‌جرم و رسوب خیلی شاد شدند و همه‌مان را دعا کردند. الحمدلله.

❖ برای شادی دل خانواده شهدا

تنها جایی که در آراستان‌ها به قول معروف
دفن شده‌های مشمول گذر زمان نمی‌شوند
و همیشه شلوغ و رفت و آمد است؛ قلعه
و بهدای آراستان‌هاست. هر پنجشنبه و جمعه
مادر و پدراهای پیری که کسی و چندانال پیش
خودشان را روانه جنگ کرده‌اند، هر طوطی
فرزانشان را می‌سازند سر پیش‌شان، آن‌ها را
آب و آجاری می‌کنند و چندانستی می‌شنیدند کنار
قبر عزیزشان به درد دل کردن و قرآن خواندن. اما
بعد از این همه سال هیچی مثل سر زور او نشی
و تمرز باقی نمی‌ماند، چه مرد به روزگار
که کسی سال است زیر باد و باران و آفتاب بوده و
کلی حرام گرفته. حالا غصه سنگبدرهای خراب
شده و در حال ازین افرته، تبدیل شده به دغدغه
مادر و پدرا، بهشان اجازه نمی‌دهند که سنگ را
عرض کنند؛ خودشان هم زور و توشان را ندارند که
دستی به قبر و روی مزار بکشند. مجبورند بسوزند
و بسازند و بسوزند به خود بخورند. دین و شنیدن
همین دغدغه‌ها سبب می‌شود که کمین‌باری

برش

از طرفی دغدغه‌های خانواده‌های شهدا را هم می‌شنیدیم. شاید برای ما اهمیت زیادی نداشته باشد، اما اهمیت رسوب سنگ‌ها، غمی به دل مادر شهید می‌آورد که حالا چه کار کنم؟ تصمیم گرفتیم کاری کنیم. با دوستان جمعی را تشکیل دادیم که شد هسته اولیه بویش برای شهید

رزمندگان دفاع مقدس که همه این دغدغه را داشتند و همین جمع شد هسته اولیه پویش برای شهید. چون یک جمع رسانه‌ای بودیم، دیدیم که چه قدر خوب است این جریان به یک پویش تبدیل شود که هم بقیه کسانی که دوست دارند بیایند و با ما شریک شوند، هم این که تعداد نفرات بالاتر برود و کار خیلی سریع‌تر انجام شود.»

❖ **کاری کاملاً اصولی و بانحقیق**

بچه‌های «برای شهید» می‌خواستند باری از دوش والدین و خانواده شهدا بردارند و غصه‌ای از آن‌ها کم کنند. نه برعکسش. برای همین قرار

اصولی ختم نمی‌شود، آن‌ها حتی برای پا کردن رنگ روی سنگ‌نبیره و حتی رنگی که بایزین رنگ روی نوسته‌ها استفاده شود هم کلی تحقیق کرده‌اند؛ بعضی از گروه‌ها برای پاک کردن رنگ‌های قبلی با اشپایی تیز می‌افتنند به جان نوسته‌ها و خیلی از اشپاها هم که انجام شده‌ها را از بین می‌برند و فرمت نوشته روی سنگ به هم می‌ریزند، ما اما با یک محلول رنگ‌پاک‌کن این کار را انجام می‌دهیم، رنگی هم که استفاده می‌کنیم، رنگ خودروسازی که هم شفاافت را رنگ روغن است و هم ماندگاری‌اش بیشتر است. رنگی که تمام می‌شود، سنگ گریب می‌شود مثل روز اولش. انگار همین دیروز آن را درست و نصب کرده‌اند. ما حتی فیلم‌های آموزشی رسوب‌زدایی را هم به مساجد می‌پخش می‌کنیم که هم کسانی که می‌خواهند ببینند برای کمک به ما ببینند و هم آن‌هایی که بعداً قصد دارند چنین کاری شروع کنند البته خیلی‌ها فکر می‌کنند که کار ما حتمتاً هزینه زیادی دارد، به خاطر اوضاع کشور و قیمت‌های بالا. برخیز کالاهای مثل م्यान محلول رنگ‌پاک‌کن بالا رفته، اما هر یک یک چیز در حدود ۸-۹ هزار تومان بیشتر خرج برمی‌دارد که همه‌اش را در چهار پنج خیر تقبل می‌کنند و بعضی از هزینه‌ها را که خودمان از جیب می‌گذاریم»

بعضی‌ها نادانسته سنگ قبرها را

از بین می‌برد

در این کتاب بعضی‌ها خبر است، هیچ شکی نیست، اما گاهی اوقات در حوزه‌ای که هیچ تخصصی ندارند ورود می‌کنند و دوستی‌شان می‌شود دوستی خاله خرسه. مثلاً به جای این که کمک کنند تا همین سسنگ‌قبرهای خاص و تکرارنشدنی شهدا حفظ شود، ناخواسته کاری می‌کنند که نابود بشود. «پیشینه‌ی الان گروه‌های زیادی از سر خبرخواهی می‌آیند بهشت زهرا(س) و مشغول تمیز کردن سنگ قبرها می‌شوند. ولی به صورت کاملاً غیر اصولی، طوری که اصلاً سنگ قبر را از بین می‌برند. مثلاً جوهرنمک می‌ریزند و با یک جسم سخت و زبری اقدام به رسوب‌زدایی می‌کنند. جوهرنمک تا سه ماه در سنگ و فلز صیقل ایجاد می‌کند و چند میلی‌متر از صیقل آن را پاک می‌کند. سالم ماندن مرزاشهد خبلی مهم است و باین روش بعد از یکی دو سال دیگر چیز از آن سنگ قبر باقی نمی‌ماند. الان خیلی از سنگ‌ها به خاطر همین کار سوخته است. خوب بادم هست که یک‌بار بنده خدایی یک واتر جت آورده بود و بین مردم و خانواده شهدا، صلواتی پخش می‌کرد که بروند از سنگ‌قبرها رسوب‌زدایی کنند»

در روز سه شنبه ۱۳۹۸/۱ ساعت ۹ صبح در نشیمنه پنجم بازپرسی دادسرای عمومی و انقلاب قم واقع در خیابان سبزهگل حاضر گردید و در صورت درخواست حق حضور در محضر قضا و قضا و با عدم ارسال اعلامیه داد و ستد و بدون معرفی وکیلانی از طرف جرح در حضور قاضی و حضور قاضی معین اقدام به دادرسی جهت اتخاذ تصمیم قضایی به دادگاه صالح ارسال خواهد شد این امری در اجرای ماده ۱۷۴ قانون آیین دادرسی پیوسته در یک نوبت و در یکی از روزهای ماه جاری کشورالاستشار با محلی جرح می شود.

بازرسی نشیمنه پنجم دادسرای عمومی و انقلاب قم به شرح ذیل می باشد.

شماره درخواست: ۹۷۱۰۴۶۲۵۰۲۵۰۰۲۵ شماره پرونده: ۹۶۰۹۹۸۲۵۰۲۵۰۱۰۹۰
شماره بایگانی شعبه: ۹۶۱۱۶۵
ریخ تنظیم: ۱۳۹۷/۶/۲۰
شعبه ۱۵ دادبازی دادسرای عمومی و انقلاب قم

[illegible]

شماره ۹۷۱۰۴۶۲۵۰۲۵۰۰۰۲۲: درخواسـت
شماره پرونده: ۹۶۰۹۹۸۲۵۰۲۵۰۱۳۸۰
شماره بایگانی شعبه: ۹۶۱۴۹۹
تاریخ تنظیم: ۱۳۹۷/۴/۲۰
شعبه ۱۵ ادبـاری دادسرای عـوامی و انـقلاب قم

[illegible]

متشی شعبه ۱۵ دایاری داسرای عمومی و انقلاب قم - احمد زنگنه

شماره ۱۰۱۶، ۱۸۰۱۰۲۵، ۹۷۱۰ شماره پرنده: ۹۶۰۹۹۸۲۵۰۱۸۰۲۲۰
مجله تاریک: ۹۶۰۲۳۳
تاریخ تنظیم: ۱۳۷۹/۶/۲۰
۸ شماره دایره‌ی دادرسی عمومی و انقلاب قم

(مقاله‌ی اصلی و تفصیلات بدوی و احضار هم)

طریقه‌ی به اینکده در پرنده‌ی کلاس ۹۶۰۹۹۸۲۵۰۱۸۰۲۲۰ شماره ششم دایره‌ی دادرسی عمومی و انقلاب قم، به جهت علم باقر ارائه‌ی به اتهام کلاهبرداری و مداخله در امر پزشکی تحت تعقیب بوده و حسب اطلاع و گزارش اهل‌النعمه در مجرای امکان و تفری می‌باشد، لذا به نامبرده ابلاغ می‌گردد تا در روز سه شنبه ۱۳۷۹/۸/۱۴ ساعت ۹ صبح در این شعبه حاضر باشد. بدین‌جهت استیجاده‌ی حضور جلب می‌باشد و صورت دستور ارسال دفاعیه و ابلاغ می‌گردد که در وقت مقرر به صورت غیابی اقدام مقتضی معمول و مواظبت شد. این محلی در اجرای ماده ۱۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری در یک نوبت در یکی از روزنامه‌های فیروزانشر یا مجله‌ی طرح می‌شود. ۹۶۰۹۹۴۴۰

دایره‌ی ششم شعبه دادرسی عمومی و انقلاب قم - ابوالفضل تحریری

شماره ایلانامه: ۹۷۱۰۱۰۳۵۰۱۸+۱۰۱۷ شماره پرونده: ۹۶۰۹۹۸۳۵+۱۸۰۰۳۳
شماره بایگانی شعبه: ۹۶۰۲۳۶ تاریخ تنظیم: ۱۳۹۷/۶/۲۰

[illegible]

خوهران و دستور دادگاه و به تجویز ماده ۲۳ قانون (پیش‌داری مدنی مراتب یک نوبت در یکی از جرایم ذکرالاشتباه آگاهی می‌شود تا خواننده را تاریخ نشر آگاهی طرف یک ماه بعد دفتر دادگاه مراجعه و ضمن اعلام نتایج آگاهی خود نسخه درخواست و ضمانت را دریافت نماید و در وقت مقرر بالا جهت رسیدگی حضور بهم رساند چنانچه بعد از ابرازی لازم شود فقط یک نوبت منتشر و مدت آن روز خواهد بود.

م.الف. ۹۷-۵۴۸

متنی سابعه ۱۶ د ۵۵۳۱۶ حوالی مسجد - سرین ابرو حوالہ

آجہی ابلاغ وقت دادرسی و ضمانت

کلاسیک پروندہ ۱۹/۹/۲۸۰ وقت رسیدگی: ۹۷/۸/۶ ساعت ۸:۲۰ صبح

خواجہان: محمود قلاتی و غیرہ

خواندہ: جنتی مقدم قلاتی، زہرہ مقدم قلاتی، مسعود مقدم قلاتی، مہار مقدم قلاتی، حمیدرضا مقدم قلاتی، مجید مقدم قلاتی، مہرداد مقدم قلاتی، ماشاء اللہ اجہی بکچی، مہین مقدم قلاتی

مقدم: حمیدرضا مقدم قلاتی، زہرہ مقدم قلاتی، مسعود مقدم قلاتی، مہار مقدم قلاتی، حمیدرضا مقدم قلاتی، مجید مقدم قلاتی، مہرداد مقدم قلاتی، ماشاء اللہ اجہی بکچی، مہین مقدم قلاتی

خواهان دانشجو دروسی است که به درخواست تسلیم داده‌های عمومی می‌شود نوده که جهت رسیدگی به شعبه ۱۹ دادگاه حقوقی ارجاع گردیده و وقت رسیدگی تعیین شده به علت مجهول‌الماکن بودن خواننده و به درخواست خواهان و دستور دادگاه و به منظور بدو ۷۳ قانون آیین دادرسی مدنی مراتب یک نوبت در یکی از جرایم کثیرالاشخاص اعلام می‌شود تا خواننده از تاریخ حکم الظرف یکی که ماه به دفتر دادگاه مراجعه و رسیدگی علوم برساند چنانچه بعداً لازم شود فقط یک نوبت منتشر و متن آن به روز خواهد بود.

شماره پرونده: ۱۳۹۶-۴۰-۷۱۴۱۰۰۰۹۸۰/۱
شماره بایگانی پرونده: ۹۶-۱۰۷۹
شماره ابلاغیه: ۱۳۹۷-۵۱-۷۱۴۱۰۰۰۷۲۸۲
تاریخ صدور: ۱۳۹۷/۶/۰۶

[illegible]

رئیس اداره اجرای استاد رسمی بنیورد

[illegible]

رئیس تشه استاد و املاک منطقه یک بخوندره

شماره درخواست: ۹۷۰۱۴۲۵۰۵۰۰۰۷ ۹۷۰۱۴۲۵۰۵۰۰۰۷ شماره پرونده: ۹۷۰۹۹۸۲۰۵۵۰۰۳۱۴

شماره بایگانی شعبه: ۹۷۰۲۲۹ تاریخ تنظیم: ۱۳۹۷/۶/۲۱

شعبه ۵ بازپرسی دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان قم

آگهی اطلاع و تحقیقات بدوی و احضار متهم

بدینوسیله متهم پرونده کلاسه ۹۷۰۲۲۹ شعبه پنج بازپرسی دادسرای عمومی و انقلاب قم، از روز
پنجم فروردین علیرضا که به اتهام کلاهبرداری تحت تعقیب می باشد و حسب گزارش های واصله فعلا

آگهی ابلاغ وقت دادرسی
شماره یابگای ۷۷/۹۷۰۴۶۱ وقت رسیدگی ۱۳۹۷/۱۸/۸ ساعت ۸
خواهان: بانک صادرات ایران با کدالت آقای قاسم پورعباس
خواندگان: ۱- محمد محمدی حریز فربد الله ۲- امیر جباری
خواسته: مطالبه وجه خواندگان به درخواست تسلیم دادگاه نمونه وقت رسیدگی تعیین شده به علت
مجهول المسکن بودن خواندگان به درخواست خوانده و مستتر دادگاه و به تجویز ماده ۴۱ قانون آیین
دادرسی مدنی مراتب یک نوبت در یکی از جراید کثیرالانتشار آگهی می‌شود تا خوانده از تاریخ اخذ
این ظرف یک ماه به درخواست مهلت و مراجع ۷۷/۹۷۰۴۶۱
را دریافت نماید در غیر این صورت دادگاه دوم دادخواست و ضمانت

داد داد خونی سنجیه ۲۷ داد داد عمومی حقوقی مجتمع قضایی امام خمینی شهرتاس مشهد
شماره پایگانی ۲۷/۹۵۴۹۶۹۶ وقت رسیدگی ۱۳۹۷/۱۱ ساعت ۸
خواهان: محسن حسن زبانی و وکالت آقای سید علی عباسی
خواندگان: ۱- شهید فخرالدین ۲- علی تاجزاده ۳- علی برادران شرکاء ۴- شهرداری مشهد
خواسته: تسلیم مبیع و کلیه خواهران ادواریه تسلیم ادوگاه نموده و رسیدگی تعیین شده باشد
موضوع: معقول امکان پذیر نیست در درخواست تسلیم ادوگاه نموده و تسخیر ماده ۲۱۹ قانون آیین
دادرسه مدعی مرابح کلیه خواهران بر یکی از خواهر کثیرالتنشاء امین می شود تا خوانده از طریق آیین
اگاهی طرف یک ماه به دفتر ادوگاه مراجعه و ضمن اعلام نشانی کامل خود تسخیر ادوگاه دوم درخواست و ضمانت
را دریافت نمایند- ۲۷ داد داد عمومی حقوقی مجتمع قضایی امام خمینی شهرتاس مشهد
داد داد خونی سنجیه ۲۷ داد داد عمومی حقوقی مجتمع قضایی امام خمینی شهرتاس مشهد

آگهی ایلاخ دادنامه

دینتوسعه پیرو آگهی‌های قبلی به آقای ۱- امیر خوشگ مودی- ۲- مهدی مودی ۳- نسیرین مودی ۴- سرور خان کوهستانی- ۵- سیکینه ابراهیمی ۶- مهین روجی ۷- مهین‌اوا شامی ۸- نسیم مودی ۹- پروین هاشمی چهلانکار ایلاخ می‌شود که در تاریخ ۱۳۹۶/۱۱/۲۴ تا ۱۳۹۶/۱۱/۲۹ علاوه بر زمان ۵۹۹-۵۹۹ به حکم به اثبات وقوع بیم نسبت به این آگهی‌ها نیستی ۴۰۲ علاوه بر زمان دارسی در حق حبس معافی و حکم محکوم گردید.امه مراتب به اطلاع درج روزه‌نامه درج می‌گردد این دادنامه روزی ۴۰۲ پس از ایلاخ قابل واخواهی در این دادگاه می‌باشد-۱۳۹۶/۱۱/۲۴-۱۳۹۶/۱۱/۲۴

[illegible]

آگهی: اِیلاغ و قِیت دادار سِی و ضَمائِی

کلاسہ پورہندہ ۱۶۹-۱۷۰/۱۶۹۰ وقت رسیدگی ۹۷/۸/۵ ساعت ۱۲

خواہان: بانک کیون سیپر، مریم علی خان راہدہ، عاشق علی خان راہدہ، آزادہ جمعدی زعفرانی

خواہان: مطالبہ خسارت و غیر

خواہان دادخواستی: تسلیم دادگاہی، عمومی مشہد نموده کہ چہت رسیدگی بہ شعبہ ۱۶ دادگاہ حقوقی استرجاع گردیدہ و وقت رسیدگی چہت منسوخ شدین تہد چہت مجھول الخوان بودن خواندہ و ہر خواہست خواہان را درجہ دادگاہ و بہ تجویز مادی ۲۴۱ قانون این دادرس منعی مبراہ بہت بدت بدی کی از جرابہ کثیرالانتشار اچھی می شود تا خواندہ از تاریخ نشر اچھی طرف کی مادی بدہ دفتر دادگاہ مراجعہ و ضمن اعلاا نسیانی کلا خود نسخہ دادخواست و ضامانہ را دریافت نماید و در وقت رجوع بالا جہت رسیدگی حضور بہر رساند چنانچہ بعد از اعالی لازم شود فقط کہ نوبت منتشر و عدت نہ از دور خواہد بود

۹۷-۹۴۳۲-۳۶-۱۶۹۰ م.الف.۳۶

مشی شعبہ ۱۶ دادگاہ حقوقی مشہد-نسرین امیرخواہ

آکھی ابلاغ وقت دادرس و ضام

کلاسہ پورہندہ ۱۶۹-۱۷۰/۱۶۹۰ وقت رسیدگی ۹۷/۸/۵ ساعت ۸/۳

خواہان: غفہ رئیس البانی

خواہان: زہرا عباس پوری بی بی حورانی نژاد، اعظم عباسپور، آستان دلدار، صوفی، محمد عباسپور

مقدمہ: عباس پوری، اکرم خان خاتم عباس پوری، محمدترضا عباس پوری، حامد ارذکانیان، موسی عباس پوری

خواہان: ابلاغ واقع بی غیر (تخلیص نہ شد)

خواہان دادخواستی: تسلیم دادگاہی، عمومی مشہد نموده کہ چہت رسیدگی بہ شعبہ ۱۶ دادگاہ حقوقی استرجاع گردیدہ و وقت رسیدگی چہت منسوخ شدین تہد چہت مجھول الخوان بودن خواندہ و ہر خواہست خواہان را درجہ دادگاہ و بہ تجویز مادی ۲۴۱ قانون این دادرس منعی مبراہ بہت بدت بدی کی از جرابہ کثیرالانتشار اچھی می شود تا خواندہ از تاریخ نشر اچھی طرف کی مادی بدہ دفتر دادگاہ مراجعہ و ضمن اعلاا نسیانی کلا خود نسخہ دادخواست و ضامانہ را دریافت نماید و در وقت رجوع بالا جہت رسیدگی حضور بہر رساند چنانچہ بعد از اعالی لازم شود فقط کہ نوبت منتشر و عدت نہ از دور خواہد بود

آهنگی ابلاغ وقت دادرسی و دادخواست و ضمانت به خواننده مجهول المکان
کلاس: یازدهم - ۲۵۸۷۰۵۹۶ - مورخه: ۱۳۹۸/۱۲/۱۸ ساعت ۱۲
خواهان: فرزند مهدی افشاری علماحسین
خوانده: علیرضا افشاری
خواسته: مطالبه احوال المثل
دادخواستی: تسلیم دادخواست عمومی نمودن که در سررسیدی به شعبه ۲۵ ارجاع گردیده و وقت تعیین گردیده است شده به جهت مجهول المکان بودن خواننده به درخواست خواهان و دستور دادگاه به منظور
ماده ۱۴۰ قانون ۱۱۱ در دادرسی منافی به وقت رد یکی از جرایم کمال‌الاشترار آهنگی می‌شود تا خواننده
از تاریخ سر آخرین آهنگی طرف کی می‌راند به پرداخت دادرسی مراجعه و ضمن اعلام اسامی کامل خود نسخه دو
دادخواستی و ضمانت را در وقت نامزد و رد و رد مقرر تا به مدت یک ماه پس از سررسیدی خود بهم رساند چنانچه به
آهنگی بوسیله آهنگی لازم خود فقط یک مرتبه منتشر و مدت آن به مدت ۳۰ روز خواهد بود.

آگهی ابلاغ وقت دادرسی و دادخواست و ضمانت به خواننده مجهول المکان

کلاس پرونده: ۲۵۹۷۰۳۷۰ وقت رسیدگی: مورخه ۱۳۹۷/۸/۱۱ ساعت ۱۱
خواهان: حمیدرضا شریفی شهیری فرزند حسین
خوانده: پرسو پور خدای فرزند قریبون
خواسته: مطالبه وجه چک و خسارات دادرسی و تأمین بابت تجدید
خواهد این دادگاههای تسلیم دادگاههای عمومی محاکم که جهت رسیدگی به شعبه ۲۵ ارجاع گردیده و وقت
رسیدگی تعیین شده به جهت مجهول المکان بودن خواننده در دادخواست خواهان دستور دادگاه و به منظور
ماه ۱۴۰۱ تقویم آیین دادرسی مراتب یک نموت بر یکی از جرایم کثیر الانشمار آگهی می شود تا خواننده
تا تاریخ نشر آخرین آگهی طرف های بدفتر دادگاه مراجعه و ضامن حاضری کامل خود بخشد و
دادخواست و ضمانت را دریافت نماید و در وقت مقرر بالا جهت رسیدگی حاضر بهم رسانند چنانچه بعد
از آگهی بسویله آگهی لازم وقت فقط یک نموت منتشر و مدت آن ده روز خواهد بود.

۹۷۰۳۵۰۳۰ الف ۲۵-۰۳-۹۷

[illegible]

پدینوسیسو ویریه ایچی های قلی به آقای اسمان بیگلر قمری مرتبه برهم امکان ابلاغ می گردد طبق

دادنامه شماره ۳۶۹-۹۷۵۷۷۷۰۰۳۶ در پیونده کلامه ۲۴/۹۰۰۹۹۹ به پرداخت مبلغ ۱۰۱۲/۱۰۱۲۸

بابت اصل محکوم به و پرداخت مبلغ ۲۴۶۰۷/۲۴۹ زریات بابت هزینه دادرسی محکوم شدهاید و اجرائه

علیه شما دادار گردیده است لذا ظرف ۱۰ روز از انتشار این امر مهلت دارید نسبت به اجرای

اجرائه اقدام ننمایید در غیر این صورت باره اجرای احکام طبق مقررات نسبت به وصول محکوم به

هزینه اجرایی اقدام خواهد نمود. ۱۰۵۲۷/۰۰۳۶ ملحق۲۴-۲۴

مدبردر شعبه ۲۶ دادگاه حقوقی مشهد - باقری

شماره بایگانی: ۲۷/۹۷۰۱۰۶ وقت رسیدگی: ۱۳۹۷/۸/۱ ساعت: ۱۳

خواندگان: ۱- محمدعلی خوشدل ۲- محمد اسحاق ۳- فخرالسادات ۴- قاضی بی بی ۵- احترام السادات
۶- محمد حسن ۷- عباس ۸- حسن همگی شجاعی باغدار ۱۰- ادرار کله مسکن و شهرسازی مشهد
خواسته: ایالت واقع بعب
خواهان دادخواستی: تسلیم دادگاه نموده وقت رسیدگی باین جهت معلوم خواندگان بون خواندگان
به درخواست خواندگان و دستور دادگاه به تجویز تاریخ ۲۳ قانون می درامی طرف می مرتب یک نوبت در
یکی از جراید کنکراتر استلزامی اگهی می شود تا خواننده از تاریخ آخرین اگهی طرف می به بفر دادگاه
مراجعه و ضمن اعلام نشانی کامل خود نسخه دوم دادخواست و ضمیمه آن دریافت نماید. ۹۵۳۸۲۴
م.الد ۲۴

دادگاه دادخواستی شماره ۲۷ دادگاه به حقوقی قاضی امام خمینی شهرستان مشهد

شماره پیاپی: ۲۹/۱۷۰-۵۸ و **وقت رسیدگی:** ۱۳۹۶/۸ ساعت ۸
خواهان: حیدر بربری لطیف با وکالت آقای نصرالله خاکساران رضوی

خوانده: عباس کوهستانی فرزند حسین
خواسته: مطالبه وجه

توضیح دادگاه: خواهان دادخواست تسلیم اداره کرده نمود وقت رسیدگی تعیین شده به جهت وصول مدارک مورد نیاز خود، در خواست خواننده استمناور داده که به منظور بداد ۴۱ قانون اجرای دادرسی مدنی مراتب کی نوشتد رد یکی از جرایم کشور انتشار آگهی می شود تا خواننده از تاریخ آخرین آگهی طرفی یک ماه بعد بگذرد دادگاه مراجعه و ضمن اعزام نشانی کامل خود نسخه دوم دادخواست و ضمیمات را دریافت نماید.

روزنامه حقوقدان شماره ۹۷۰ - ۲۵ خرداد ۱۳۹۶

فهرست نگارن

معارف

دوشنبه ۲۶ شهریور ۱۳۹۷

۷ | **مهر** ۱۴۴۰ | ۱۷ | **سپتامبر** ۲۰۱۸ | **سال سی و یکم** | **شماره ۸۷۸۴** |

پرسمان

«**ابن زیاد**» با چه **توجهی** **آب را به روی**

امام حسین علیه السلام **بست**؟

معارف: قیام عاشورا، دارای جزئیات و حوادث بسیاری است که هر یک نشانگر بخشی از مظلومیت اهل‌بیت پیامبر(ع) است. یکی از این موارد، بستن آب بر امام حسین(ع) و بارانش است که به وسیله عمر‌بن‌سعد در روز هفتم محرم‌الحرام سال ۶۱هجری قمری انجام شد. [۱] اما نکته در این است که این ظلم به دستور «ابن زیاد» و با استدلالی عجیب انجام گرفت: «میان آب و حسین مانع شو تا قطره‌ای از آن آب ننوشد او با تشنگی کشته شود! همان‌گونه که با عثمان‌بن‌غفان چنین کردند». [۲]

یک فرد نساگاه با شنیدن چنین سخنانی گمان خواهد برد که گویا امام حسین(ع) یا بستگان ایشان در تشنگی و قتل عثمان نقش داشته و اکنون به مجازات آن گرفتار شده‌اند! اما بررسی منابع تاریخی نشان می‌دهد که نه تنها امام علی(ع) و فرزندان‌شان در قطع آب از عثمان دخالت نداشتند، بلکه حتی در دوران محاصره و تشنگی، با تلاش و زحمت فراوان به او آب رساندند. این ماجرا در بسیاری از منابع اهل سنت نقل شده است:

«مروان بن حکم، نامه‌ای به استاندار مصر نگاشت و آن‌ها را به قتل و زندانی کردن شورشیان (که در حال برگشت بودند) فراخواند. در این بین، نامه به دست مخالفان عثمان رسیده و آنان بدشت خشمگین شدند و به مدینه بازگشتند و از عثمان خواستند تا مروان را به آنان تحویل دهد و اگر ثابت شود که عثمان نیز در نگارش این نامه دخالت داشته، او باید از خلافت مسلمانان، عزل شود؛ اما عثمان از تحویل مروان به آنان خودداری کرد. در نتیجه مخالفان، خانه عثمان را محاصره کردند و آب را بر او بستند. عثمان زمانی که در محاصره بود، از بلندی خانه با مردم سخن گفت و پرسید: «آیا علی میان شما هست؟» گفتند: «خیر» گفت: «آیا سعد در میان شما هست؟» گفتند: «خیر» پس ساکت شد. سپس گفت: «آیا میان شما کسی نیست که به ما آب برساند؟» هنگامی که خبر این ماجرا به گوش امام علی(ع) رسید، به مشک پر از آب را برای عثمان فرستاد. البته پس از زخمی شدن شماری از جوانان بنی‌هاشم و بنی‌امیه بود که این آب ارسالی به دست عثمان رسید». [۳]

بنابراین، استدلال «ابن‌زیاد، قابل قبول نیست؛ زیرا امام علی(ع) و فرزندان‌شان نه تنها در قتل و تشنگی عثمان نقشی نداشتند، بلکه تلاش آنان در جلوگیری از این حوادث بوده است.

اما تبلیغات دروغ‌بن‌امیه و در رأس آنان معاویه، این باور را در برخی افراد کم‌اطلاع ایجاد کرده بود که آن بزرگواران در ماجرای قتل و تشنگی عثمان نقش داشته‌اند و در موردی به این بهانه اقدام به عمل غیرانسانی قطع آب می‌کردند. این استدلال غلط تنها در کربلا نمود نداشت، بلکه در حادثه تاریخی دیگری در ابتدای جنگ صفین، معاویه آب را به پیشنهاد ولیدبن عقبه بر سپاهیان امام علی(ع) بست، با این توجیه که «از آب منع‌شان می‌کنیم چنان‌که عثمان را از آب ممنوع تشنگند». ۴۰ روز محاصره‌اش کردند و آب خنک و غذای نرم را از او دور داشتند؛ از تشنگی آنان را می‌کشیم! خدا از تشنگی آنان را بکشد! [۴]

این نوع استدلال که امام علی(ع) و فرزندان‌ش در تشنگی عثمان نقش داشتند، بر اساس روایاتی است که در نتیجه پول و سکه‌های شامی اهدایی از طرف معاویه جعل شده و اثری از واقعیت ندارند.

پی نوشت:

۱- ابومخنف کوفی، لوط بن یحیی، وقعه‌الطف، محقق، مصحح، یوسفی غروی، محمدهادی، ص ۳۲، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ سوم، ۱۴۱۷ق؛ قتال نیشابوری، محمدبن‌احمد، روضه‌الواعظین و بصیره‌المتعظین، ج ۱، ص ۱۸۲، قم، انتشارات رضی، چاپ اول، ۱۳۲۷ش.
۲- دینوری، ابوحنیفه احمدبن‌داود، الأخبار‌الطوال، تحقیق، عبدالمنعم عامر، جمال‌الدین شیال، ۲۵۵، قم، منشورات‌الرضی، ۱۳۶۸ش؛ طبرسی، فضل‌بن‌حسن، اعلام‌الوری بأعلام‌الهدی، ۲۳۵، تهران، دارالکتب‌الاسلامیه، چاپ سوم، ۱۳۹۰ق.
۳- بلاحی، احمدبن‌یحیی، انساب‌الاشراف، تحقیق، زکار، سهیل، زرکی، ریاض، ج ۵، ص ۵۵۸، بیروت، دارالفکر، چاپ اول، ۱۴۱۷ق؛ سیوطی، عبدالرحمن بن‌ابی‌بکر، تاریخ‌الخلفاء، محقق، حمدی‌الدمرداش، ج ۱، ص ۱۲۵، مکتبه نزار مصطفی الباز، چاپ اول، ۱۴۲۵ق؛ تمیمی دارمی، محمدبن‌حیان، الثقات، محقق، محمدعبدالمعید خان، ج ۲، ص ۲۶۱، حیدرآباد هند، دائره‌المعارف الثمانیه، چاپ اول، ۱۳۹۳ق.
۴- طبری، محمدبن جریر، تاریخ‌الامم والملوک (تاریخ طبری)، تحقیق، ابراهیم، محمدابوالفضل، ج ۴، ص ۵۷۲، بیروت، دارالثراث، چاپ دوم، ۱۳۸۷ق؛ ابن‌جوزی، عبدالرحمن‌بن‌علی، المنظم، محقق، عطا، محمدعبدالقادر، عطا، مصطفی عبدالقادر، ج ۵، ص ۱۰۳، بیروت، دارالکتب‌العلمیه، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.

احکام

پاسخ رهبر معظم انقلاب به استفتایی در باره

«باقیمانده هز بنه‌های مراسم عاشورا»



معارف: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری، پاسخ رهبر انقلاب به استفتایی درباره «باقیمانده هزینه‌های مراسم عاشورا» را منتشر کرد. سؤال: باقیمانده اموالی که به عنوان هزینه‌های مراسم عاشورای امام حسین(ع) جمع‌آوری می‌شود، در چه موردی باید خرج شود؟ جواب: می توان اموال باقی‌مانده را با کسب اجازه اهداکنندگان آن‌ها در امور خیریه مصرف کرد یا آن‌ها را برای مصرف در مجالس عزاداری آینده نگه داشت.



اجتماعی هستند آن را از هم متلاشی می سازد.

در زمان امام حسین(ع)، معروف، منکر شده و منکرات به معروف تبدیل شده بود؛ با مسلمات فقه و احکام اسلامی مبارزه شده و قتل عام‌های فراوان شیعیان و دوستداران امیرمؤمنان(ع)، جعل احادیث و ذم امیرمؤمنان(ع)، تحمیل ولیعهدی یزید، شیوع و ظهور بدعت‌های فراوان و دمه‌خلاف دیگر، شرعی بود که صاحب منصبان حکومت اسلامی مرتکب می شدند.

امام حسین(ع) در مراسم حج، از موقعیت به وجود آمده استفاده کرده و مسئولیت نخبگان و خواص جهان اسلام را که در آن سرزمین گرد آمده بودند در دفاع از اسلام و مبارزه با باطل گوشزد کرد، زیرا رهبران فکری و دانشمندانی که به هنگام اوده شدن مردم به گناه و سرعت گرفتن آن‌ها در ظلم و فساد خلوش می نشینند، مورد مؤاخذه خداوند قرار خواهند گرفت. امام حسین(ع) با استناد به آیات ۷۸ و ۷۹ سوره مائده سکوت را جایز ندانسته و آن‌ها را پسرای یک جهاد مقدس و دفاع از اسلام و دین پیامبر(ص) دعوت کرد.

ایشان در ادامه بیانات خود، پسرده از جنایت‌های بنی امیه برداشته و به افشاکاری آن‌ها پرداخته و فرمود: دشما می‌بینید که عهد و پیمان الهی شکسته شده و هیچ ترسی از این کار ندارند. فرمانروایان به مبادا و معاد اعتقادی ندارند. این‌ها با شیطان قرین شده و اطاعت خدا را رها کرده‌اند. فساد را رواج داده و حدود الهی را تعطیل کرده‌اند. حلال خدا را حرام و حرام خدا را حلال کرده‌اند و من سواروارت از همه هسنت تا این مسائل را تغییر دهم،

امام حسین(ع) به خاطر عمل کردن به آیات امر به معروف و نهی از منکر از مدینه خارج شد تا ضمن عمل به دستور پروردگار و با تأسی به آنچه راه را برای نجات امت اسلام هموار می‌سازد، جاده هامورل شریعت را هموار کند که امت اسلامی نه تنها در سال ۶۱هجری بلکه تا همیشه تاریخ مسیر صحیح اصلاحگری را بر اساس دستورهای قرآنی و سیره نبوی، از آنچه در ادبیات بیگانگان آمده است، تمیز دهند.

بازخوانی مبانی اصلاح گری حقیقی در نامه امام حسین علیه السلام به محمد حنفیه

قیام عاشورا ایان علیه اسلام تشریفاتی و سلطنتی امویان

امعارف / نازی مروت ا ریشه قیام امام حسین(ع) را باید در زمینه‌های سیاسی و فرهنگی زمانه جست؛ کمتر از یک قرن پس از بعثت رسول خاتم(ص) که بنیان‌گذار تمدنی نوپا در جهان بود، نهضت عاشورا برای ریشه‌کن کردن رسوم و آداب جاهلیت که در قالب جدیدی در زندگی مردم رخ می‌نمود، شکل گرفت. ماجرای رجعت مردم به عقاید و رسوم جاهلی پس از رحلت پیامبر(ص) را باید در انحرافات سیاسی و ایدئولوژیک سیاسیون و نخبگان جامعه جست‌وجو کرد. امام حسین(ع) که حکومت یزید را با استناد به صلح‌نامه امام حسن(ع)، غیرقانونی و با تکیه بر دستورات وحی غیرشرعی می‌دانست، از بیعت با حاکمیت و خلیفه وقت سر باز زد زیرا در دوران خلافت یزید، فسادهای زیرزمینی دوره معاویه به افتخار آشکار اکثریت جامعه تبدیل شده بود. سیدالشهدا(ع) پس از آنکه به دعوت کوفیان تصمیم گرفت به عراق هجرت کند، در نامه‌ای به محمد حنفیه یکی از علل قیام خود را اصلاح امور امت جدش عنوان کرد.

زمینه تاریخی پیام حسینی

در آموزه‌های دینی تعبیر هدایت و ضلالت، نور و ظلمت، صلاح و فساد، تقوا و فجور، ایمان و کفر و… به عنوان مؤلفه‌های معرفتی و فرهنگی شناخته می‌شوند که شناخت صحیح آن‌ها زمینه هدایت و سعادت را فراهم می‌کند، از این رو انسان با صلاح، اصلاح، تقوا و تزکیه ارتباط فطری داشته و اصطلاحاتی چون «اصلاح»، «مصلح» و «احیاءگری» قداست ویزه ای دارد. بررسی حیات سیاسی و فرهنگی انبیا و اولیای الهی نشان‌دهنده اهمیت احیاءگری و اصلاح وضعیت جامعه به مطلوب است زیرا بیشترین فعالیت آن‌ها در مسیر احیای اصول اولیه و اصلاح وضع جامعه سپری شده است. در میان همه مصلحان الهی باید حسین‌بن‌علی(ع) را مصلح بزرگ تاریخ بشریت نامید و قیام جاولدانش را معیار حقیقی برای سنجش احیای دین و اصلاح ارزشایی کرد.

تأسی به پیشینه فرهنگ نهضت حسینی با این رویکرد ضروری و مغتنم بوده و قیام عاشورا الگویی بسپار مهم و کارآمد در احیای اندیشه دینی و اصلاح اجتماعی خواهد بود. (اصلاح‌گرایی در نهضت عاشورا/ محمد جواد رودگر، رواق اندیشه شماره ۱۳۸/۱۵)

آنچه در مکتب امام حسین(ع) به عنوان اصلاح اجتماعی مدنظر است، نفی وضع موجود با هدف بازسازی و ایجاد تحول جهت دستیابی به وضع مطلوب است.

از نظر شهید مطهری، «اصلاح» به معنی سامان بخشیدن در مقابل «فساد» است. چنین اصلاح‌طلبی بخشی از «روحیه اسلامی» است، زیرا اصلاح‌طلبی هم به عنوان یک شأن پیامبری در قرآن مطرح است و هم مصداق امر به معروف و نهی از منکر است که از ارکان تعلیمات اجتماعی اسلام است. اصلاح در قرآن

معنای اثباتی و ارزشی دارد. (مجموعه آثار شهید مطهری ج ۲/ص ۲۳)

یکی از دلایل عمده‌ای که سیدالشهدا(ع) در حرکت سرنوشت‌ساز اجتماعی رویکرد اصلاحی را برگزید، وجود ظلم و ستم به عنوان بارزترین مصادق

بازگشت به سنت‌های پیشینیان جاهلیت بود. به عبارت دیگر، مهم‌ترین عاملی که در طول حرکت و قیام امام حسین(ع) به تمام عوامل و ریشه‌های پیدایش قیام عاشورایی سایه افکنده است و آن‌ها را تحت تأثیر خود قرار داده، مبارزه با ظلم و ستم است. اگر چه این هدف مقدس در آغاز حرکت معترضانه امام از مدینه نیز مشهود بود و حرکت ایشان نوعی اعتراض به وضع موجود تلقی می‌شد، ولی این هدف در خروج از مکه و رهسپاری ایشان به طرف کوفه و سخرانی‌های ایشان در جمع مردم، نمود بیشتری پیدا کرد.

افزون بر این، تبدیل نظام خلافت به نظام سلطنتی یکی از روش‌های مبارزه با اسلام نبوی و فرو غلختیدن در رفاه و شهوات بود که امویان پدید آوردند. با روی کار آمدن معاویه، تمام معیارها عوض شد و کانون رهبری اسلام مورد هجوم همه جانبه قرار گرفت. او طی بخشنامه‌ای به تمام ائمه جمعه و جماعات مملکت اسلامی دستور داد تا در بالای منابر مسلمین، به امیرمؤمنان حضرت علی(ع) لعن و ناسزا بگویند. با تمام این تفصایل، آنچه به عنوان اسلام، حکومت اسلامی و احکام اسلام عرضه می‌شد چیزی جز سنن و آداب جاهلی نبود که جامعه‌ای به نام اسلام بر آن پوشانده بودند. در این شرایط بحرانی و ضداسلامی، آنچه باید اتفاق می افتاد، اصلاح بود. ترسیم فضای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی عصر امام حسین(ع) و حوزه‌های اصلاحی منظور نظر ایشان، یعنی است که ما را در رسیدن به مفهوم اصلاحات حسینی یاری می سازد.

حوزه‌های اصلاحی قیام حسینی

در نامه تاریخی امام حسین(ع) که سند محکم رویکرد عاشورایی امام است، به حوزه‌های اصلاحی مورد نیاز جامعه آن روز اشاره شده است.

اسام(ع)، پیش از حرکت از مدینه، وصیتنامه‌ای خطاب به برادرش محمد حنفیه نوشت و طی آن هدف از قیام و نهضت خود را اصلاح امت اسلامی عنوان کرد. حضرت در این وصیتنامه می فرماید: من نه از روی خودخواهی و سرکشی و هوسرانی (از مدینه) خارج می شوم و نه برای ایجاد فساد و ستمگری، بلکه هدف من از این حرکت اصلاح مفسد امت جدم است. امام حسین(ع) در بیانی دیگر می فرماید: «پروردگار، این حرکت ما نه به خاطر رهاقت بر سر حکومت و قدرت و نه به منظور به دست آوردن مال ندیاست، بلکه به خاطر آن است که نشانه‌های دین تو را به مردم نشان دهیم و اصلاحات را در کشور اسلامی اجرا کنیم تا بندگان مستمیدمات از چنگال ظالمان در امان باشند و واجبات و احکام و سنت‌های تعطیل شده تو دوباره اجرا شود». در این فرمایش کوتاه امام، به چند نوع اصلاحات اشاره شده است که عبارتند از: ۱- اصلاح اندیشه‌ها. ۲-اصلاح اقتصادی و معیشتی. ۳- اصلاح روابط اجتماعی و نظام‌های مدنی.

اصلاح اندیشه‌ها

اصلاحات فکری جامعه عصر امام حسین(ع) مهم‌ترین بعد اصلاحگری ایشان در برخورد با جرنومه ظلم و فساد در جامعه آن روزاست. وضعیت فکری مسلمانان افزون بر پراکندگی، در آقا اجازه نمی‌داد.
هی این‌پسا و اون‌یا می‌کرد. ولی وقتی همه اصحاب شهید شدند، اولین کسی از اهل‌بیت(ع) که اجازه میدون خواست، علی‌اکبر(ع) بود. آقا هم بلافاصله اجازه داد. وقتی داشت طرف میدون می‌فت، آقا به نگاه نومیده‌ای‌هاش انداخت. فرمود: خدایا شاهد باش! جوانی داره به‌طرف این مردم می‌ره که در صورت و اخلاق و گفتار، از همه به پیغمبر(ص) شبیه‌تره. ما هروقت دلمون برای جدمون تنگ می‌شه، به علی نگاه می‌کردیم. تنگ‌م‌حسه است اسود طلوع پگاه تو خورشید می‌دمد ز تماشای ماه تو دلنگم می‌شویم برای پیامبر وقتی که نیست آیه فجر نگاه تو را آه‌های آه فرستاده‌ام تو را اشکی نبود تا که بباشم به راه تو مثل شیر به‌سمت میدون تاخت: ناگهان قلب حرم وا شد و یک مرد جوان مثل تیری که رها می‌شود از دست کمان

زخم‌ها با تو چه کردند؟ جوان تر شده‌ای

احمد عبداله زاده مهنته

آقا اجازه نمی‌داد.
هی این‌پسا و اون‌یا می‌کرد. ولی وقتی همه اصحاب شهید شدند، اولین کسی از اهل‌بیت(ع) که اجازه میدون خواست، علی‌اکبر(ع) بود. آقا هم بلافاصله اجازه داد. وقتی داشت طرف میدون می‌فت، آقا به نگاه نومیده‌ای‌هاش انداخت. فرمود: خدایا شاهد باش! جوانی داره به‌طرف این مردم می‌ره که در صورت و اخلاق و گفتار، از همه به پیغمبر(ص) شبیه‌تره. ما هروقت دلمون برای جدمون تنگ می‌شه، به علی نگاه می‌کردیم. تنگ‌م‌حسه است اسود طلوع پگاه تو خورشید می‌دمد ز تماشای ماه تو دلنگم می‌شویم برای پیامبر وقتی که نیست آیه فجر نگاه تو را آه‌های آه فرستاده‌ام تو را اشکی نبود تا که بباشم به راه تو مثل شیر به‌سمت میدون تاخت: ناگهان قلب حرم وا شد و یک مرد جوان مثل تیری که رها می‌شود از دست کمان

چهره - خیر

ماهیت قیام عاشورا رسانه‌ای و فرهنگی است

حجت‌الاسلام ایزدهی /*مدیر گروه سیاست پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی:*

قضیه کربلا و قیام عاشورا بیش از آنکه وجهه نظامی و جنگی داشته باشد بیشتر به تعبیر امروز، جنبه رسانه‌ای داشت. بنی امیه و حکومت یزید در این حوزه، اقدام‌های زیادی به لحاظ جنگ روانی و تحریف شخصیت‌ها انجام دادند و توانستند فضای عمومی را به دست گرفته و ماجرا را در کربلا بدان گونه به پیش ببرند. به عنوان نمونه مشاهده می‌شود آن‌قدر فضای جنگ روانی دشمن شدید است که از امام حسین(ع) و خاندان ایشان با نام «خارجی» و خروج‌کنندگان از دین پیامبر(ص) یاد می‌شود و مردم

شام به این شکل با اسرای کربلا روبه‌رو می‌شوند؛ یا وقتی در کوفه و در حالی که عبیدالله بن زیاد هست و مسلم هم حضور دارد، مردم از ترس احتمال جنگ، لشکر خیالی و امکان نابودی از اطراف مسلم متفرق می‌شوند و او را تنها می‌گذارند.

این جنگ رسانه‌ای آن‌قدر قدرتمند عمل می‌کند که حکومت یزید همین مردم کوفه را که عملاً به دنبال بیعت با امام حسین(ع) بودند به سوی جنگ با امام حسین(ع) گسیل می‌دارد.



(ایکنا)

عزاداری باید سبب تقویت مقاومت در برابر شمر زمان شود



حجت الاسلام ملکوئی /*نماینده مجلس خبرگان:* مقاومت در برابر استکبار منوط به میزان آگاهی از اسلام ناب است، وقتی مرز اسلام ناب از اسلام آمریکایی جدا شود، مردم به خوبی می‌دانند که باید به پیروی از امام حسین(ع) در برابر شمرها و یزیدهای زمان ایستادگی کنند.

ما در مجالس حسینی با دو محور مسائل اصلی و مسائل فرعی مواجه هستیم؛ سینه زدن و عزاداری کردن فرع است و آنچه اصل به شمار می‌رود آن است که در این مجالس اهداف و آرمان‌های امام حسین(ع) که همه مقابله با ظلم و جور است، تبیین شود.

اگر علما و وعاظ در سخنرانی‌ها همان سخنان امام حسین(ع) از ابتدای خروج ایشان از مدینه تا کربلا را به خوبی برای مردم تبیین کنند، مردم با اسلام ناب به خوبی آشنا خواهند شد و هنگامی که مرز اسلام ناب از اسلام آمریکایی و عربستانی جدا شود، مردم به خوبی می‌دانند که باید به پیروی از امام حسین(ع) در برابر شمرها و یزیدهای زمان ایستادگی کنند.

هیئت‌ها باید عالم‌محور عمل کنند، یعنی برای منابر و سخنرانی‌ها از علمایی که حقیقتاً اسلام را در ک کرده‌اند، استفاده کنند. (رسا)

«مربع‌های قرمز» به چاپ سوم رسید

فارس: کتاب «مربع‌های قرمز» به چاپ سوم خود رسید. این کتاب روایتی است از بازیگوشی‌های کودکانه سربازان امام خمینی(ره) تا روزهای امدادگری و شناسایی و چشیدن طعم تلخ قطعنامه «مربع‌های قرمز» پر است از خاطرات تلخ و شیرین و گاهی غمگین نوجوانانی که در مکتب امام خمینی(ره) یک شبه مرد شدند، آن‌ها که میان غرش تانک و سفیر گلوله قد کشیدند.



انصراف موراکامی از نامزدی جایگزین نوبل ادبیات

ایبنا: هاروکى موراكامى، نویسنده شهیر ژاپنى که یکى از نامزدهاى دریافت جایزه جایگزین نوبل ادبیات در سال جارى بود از این رقابت خارج شد و اعلام کرد ترجیح مى‌دهد تمرکز بیشتری را متوجه حرفه‌اش کند.

امسال آکادمى برگزارى جایزه نوبل ادبیات در سوئد به دلیل حاشیه‌هایی که کارمندانش در سال گذشته ایجاد کردند برندهاى اعلام نخواهد کرد و قول داده است در سال ۲۰۱۹ دو نفر را به عنوان برنده جایزه نوبل معرفی کند. این اقدام در پی انتشار رسوایی‌هاى جنسى برخى از کارمندان این آکادمى اتخاذ شد. پس از این اتفاق گروهى از شخصیت‌هاى فرهنگى از جمله نویسندگان، خبرنگاران و بازیگران کشور سوئد تصمیم گرفتند آکادمى جدیدى تشکیل داده و از کسانى که در حوزه نشر و کتاب اشتغال دارند درخواست کردند نامزد موردعلاقه خود را معرفی کنند.

چاپ بیست و پنجم «سفر به گرای ۲۷۰ درجه»

باشگاه خبرنگاران: انتشارات کتاب نیستان در آسانه هفته دفاع مقدس چاپ بیست و پنجم رمان «سفر به گرای ۲۷۰ درجه» را در ۲۴۰ صفحه روانه بازار نشر کرد. این رمان که شاید مهم‌ترین رمان احمد دهقان نیز به شمار می‌رود، توانسته جایزه ۲۰ سال داستان‌نویسى، جایزه کتاب سال دفاع مقدس و جایزه ۲۰ سال ادبیات پایداری را از آن خود کند.

این کتاب توسط پال اسپیراکمن، نایب رئیس مرکز مطالعات دانشگاهی خاورمیانه در دانشگاه راتگرز آمریکا به انگلیسى ترجمه شده و نخستین رمان ایرانی با موضوع جنگ است که در آمریکا منتشر می‌شود.

ادب و هنر- آرش شافعی**ا** کنگره‌های شعر جنگ و دفاع مقدس، از یادگارهای شاعر شهید احمد زارعی، از دوران دفاع مقدس پایه‌گذاری شد و در طول ۲۰ دوره برگزاری آن، سبب جوشش‌هایی فرخنده در عرصه شعر مقاومت شد، اما چند سالی است که در برگزاری این رویداد ادبی جریان ساز فترتی افتاده است. امسال قرار است بیست و یکمین کنگره سراسری شعر دفاع مقدس با دبیری دکتر محمود اکرامی‌فر، شاعر و پژوهشگر نام‌آشنای عرصه شعر، برگزار شود؛ به همین انگیزه با دبیر کنگره هم‌کلام شدیم و از چند و چون برگزاری این کنگره پرسیدیم.

◆ چه شد که پس از ۶ سال توقف، قرار شد کنگره شعر دفاع مقدس با دبیری شما برگزار شود؟

بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس در سیاست‌های جدید خود بعد از کنگره بیستم، فعالیت خود را به بخش دیگری سوق داد و در بخش ادبیات به هر دلیلی کمتر ورود پیدا کرد. به مدت ۶ سال، شعر دفاع مقدس در سطح کنگره، جشنواره و همایش ملی شاعران متوقف شد. پارسال که به عنوان داور کتاب سال دفاع مقدس در خدمت عزیزان بودم، به همراه دیگر دوستان شاعر ضرورت برگزاری دوباره کنگره را مطرح کردیم و امسال دعوتی از سوی معاونت ادبیات بنیاد صورت گرفت و برخی از دوستان شاعر از جمله آقایان کاکایی، محدثی، اسماعیلی، نادمی، شکارسری و دیگر دوستان آمدند و تصمیم بر این شد که شورای سیاست‌گذاری تشکیل و کنگره راه اندازی شود، چرا که کم کم تجلی دفاع مقدس در ادبیات و بویژه شعر کمتر می‌شد.

شاید یک دلیل این امر ایسن بود که فعالیت‌های ادبی بنیاد به سمت خاطره و داستان رفته بود، مثلاً جشنواره داستان یوسف آسیب کمتری دید و کتاب‌های خاطره منتشر می‌شد. البته بخشی از بنیاد که با موزه انقلاب و دفاع مقدس در ارتباط بوده، جشنوارههایی مانند جشنواره موسیقی و سرود دفاع مقدس را برگزار کردند که من جزو شورای برگزاری آن جشنواره هم بودم. تصمیم امیر گرامی، رئیس سازمان ادبیات و تاریخ دفاع مقدس بنیاد، بر این بود که کنگره برگزار شود، به همین دلیل شورا تشکیل شد و افراد مختلفی هم برای دبیری پیشنهاد شده بودند که با توجه به سابقه‌ای که من در کنگره‌ها داشتم و نیز به دلیل عضویت در شوراهای تألیف کتب درسی دفاع مقدس تشخیص دادند بنده در خدمتشان باشم.

◆ کنگره قرار است کی برگزار شود؟

کنگره مرحله‌ای دارد و ما دستورعملی تنظیم و ارسال کردایم که براساس آن کنگره در تمام استان‌ها برگزار می‌شود. تا دی ماه باید کنگره‌های استانی تمام شود. برخی استان‌ها فراخوان داده اند، برخی اسامی داوران‌شان را فرستاده اند و برخی هم در ابتدای کار هستند، منتها بعد از داوری و معرفی برگزیدگان جشنواره‌های استانی، برگزیدگان به مرحله کشوری می‌روند و دوباره در این مرحله آثار داوری می‌شوند. پیش بینی ما این است که کنگره در نیمه اول اسفند برگزار شود و پیشنهاد ما شیراز است؛ به دلایل مختلف



از جمله پیشینه ادبی، شرایط آب و هوایی، مدیریت بنیاد در استان، شرایط رسانه‌ای استان و شورای برنامه ریزی کنگره با مشارکت نهادهای دولتی و غیردولتی که در حوزه دفاع مقدس فعال اند یا دوست دارند فعال باشند، تشکیل شده است و آن‌ها در کنگره مشارکت دارند و این مشارکت لزوماً به معنای دادن پول نیست، بلکه به معنای مشارکت فکری و تبلیغی هم می‌تواند باشد. انجمن قلم، حوزه هنری، مؤسسه شهرستان ادب، بسیج هنرمندان، بنیاد شعر و ادبیات داستانی و دانشگاه پیام نور که گفته بودند پای کار هستیم، در کشور هستند. اعضای شورا هم شاعرند و هم

آنچه می‌خوانید

چرا ما تعریف‌مان را توسعه ندهیم و به روز نکنیم؟ شاید یک تعریف از شعر دفاع مقدس این باشد که از شعری صحبت می‌کنیم که با آن می‌توان از مقدسات و امور مقدس یک جامعه دفاع کرد. حالا یکی از این مقدسات، آب و خاک است.

نماینده نهادهایشان. در جلسه‌ات مسئول واحد ادبیات بنیاد آقای میربابا، امیر گرامی رئیس سازمان ادبیات و تاریخ دفاع مقدس بنیاد و مشاور ایشان آقای کریمی‌پور هم هستند و بنابر تصمیم شورا قرار است کنگره در دو بخش کودک و نوجوان و بزرگسال برگزار شود. حوزه‌هایی مثل دفاع مقدس و آرمان‌های انقلاب، مقاومت جهان اسلام، جنگ و نرم که یک بحث جدید است، شاعران شاخص و اینا گر، شهدای شاخص، شهرهای شاخص و ... جزو محورهای کنگره است. همچنین پیشنهاد شده است از شاعران برجسته هر استان که درباره دفاع مقدس کار کرده اند، در هر استان تقدیر کنیم. همچنین مطالعه تطبیقی ادبیات دفاع مقدس ایران و ادبیات جنگ در جهان، رسالت‌های شعر دفاع مقدس و... از ارزش‌هایی در حوزه ملت و ملت‌های بررسی و تحلیل آن‌ها هستیم. این نشست‌ها در قالب میزگرد، مصاحبه و نشست‌های رادیو و تلویزیونی انجام می‌شود. به دو شبکه رادیویی ایران و فرهنگ در این زمینه گفت و گو کردایم و موافقت مدیران آن‌ها را گرفتایم. من ضمن تشکر از رسانه‌هایی مانند روزنامه قدس که در این زمینه فعال‌اند، از شما و دیگر رسانه‌ها تشکر می‌کنم و درخواست می‌کنم به این موضوع که متعلق به همه است و دغدغه خودشان هم هست، بیشتر بپردازند.

گفت‌وگوی قدس با محمود اکرامی‌فر دبیر بیست و یکمین کنگره شعر دفاع مقدس درباره شعر جنگ و جشنواره‌های آن

گاهی در شعر کلمه‌ها کار گلوله را می‌کنند

◆ **اشاره به تأخیر در برگزاری کنگره داشتید. این تأخیر به نظر شما موجب چه آسیبی شده‌است؟** بنیاد یک سری ملاحظات دارد، انباشتگی کارهایی که در بنیاد هست مانند جشنواره‌های خاطره، کتاب، داستان و... یکی از دلایل این تأخیرهاست. گاهی هم این بحث مطرح است که وقتی کتاب سال برگزار می‌کنیم و بخشی از آن شعر است، شعر عملاً داوری می‌شود منتها استدلال مقابل این بود که ما در جایزه کتاب سال، شعرهای کتاب شده و تولید شده را داوری می‌کنیم اما عملاً جریان‌سازی نکرده‌ایم که در اثر آن شعر تولید شود. عملاً داریم از سنبل‌های کاشته شده خرمن درست می‌کنیم و خودمان در کاشت، داشت و برداشت اثرگذار نبوده‌ایم و به همین دلیل این بحث مطرح شد که با جریان ۶ سال فترت در شعر دفاع مقدس، درباره مباحث نظری دفاع مقدس هم کارهایی نکنیم. یکی از طرح‌های ما این است که تا زمان برگزاری کنگره، چندین جلسه نقد و بررسی جریان شعر دفاع مقدس برگزار کنیم. کسانی که در این حوزه فعالند معتقدند اگر قرار است شعر دفاع مقدس ماندگارتر از این باشد، باید نظریه مند باشد و با مبانی نظری‌شود از آن دفاع کرد. به هر حال به بخواهیم و چه نخواهیم این فترت ۶ ساله سبب شده است خیلی از شاعران دفاع مقدس به حوزه‌های دیگری بروند و خیلی از شاعرانی که می‌توانست‌اند وارد این‌س حوزه شوند، این مسیر را پیدا نکنند.

◆ اکنون ما شعر دفاع مقدس به معنایی که در کنگره‌های دهه‌های ۶۰ و ۷۰ حضور و بروز داشت، داریم؟

چرا ما تعریف‌مان را توسعه ندهیم و به روز نکنیم؟ شاید یک تعریف از شعر دفاع مقدس این باشد که از شعری صحبت می‌کنیم که با آن می‌توان از مقدسات و امور مقدس یک جامعه دفاع کرد. حالا یکی از این دفاع مقدس کار گلوله را می‌کنند لزوماً این نیست که کلمه از گلوله دفاع کند و آن را تبیین و تحلیل کند. لزوماً این نیست که شعر از جبهه حرف بزند، گاهی جبهه‌ها روی همین کاغذهای سفید هستند. وقتی با کلمه و تصویر و مجموعه‌ای از این‌ها به نام شعر از ارزش‌هایی در حوزه ملت و ملت‌های بررسی این هم باید جزو تعریف عام دفاع مقدس بیاید. تعریف خاص آن هم ارزش‌هایی است که هشت سال در یک محدوده جغرافیایی اتفاق افتاده است اما یادمان باشد بازماندگان این جنگ هنوز دارند با ما زندگی می‌کنند و هنوز برای رفت و آمد در این شهر به دلیل نوع شهرسازی دچار مشکلند. باورمان این نیست که باید همچنان توصیفی شعر بگوییم اما می‌توانیم شعر اجتماعی دفاع مقدس بگوییم. این تعریف عام از دفاع مقدس می‌تواند تا هزار سال دیگر

هم ادامه باشد و به همین لحاظ من باورم این نیست که شعر دفاع مقدس تمام شود. دیروز سرباز شما در فکه می‌جنگید و امروز در ایرانشهر می‌جنگد، پس می‌شود تعریف گسترده تری از شعر دفاع مقدس داشت که در آن محدوده زمانی و مکانی نمانده باشد.

◆ **امروز کنگره‌های مختلف و متعدد مانند کنگره‌های بزرگداشت شهدای مدافع حرم و موضوعات مختلف مرتبط برگزار می‌شود، آیا بهتر نیست به جای کنگره‌های کوچک، یک کنگره دفاع مقدس بزرگ و تأثیرگذار را هر سال برگزار کنیم؟** چون ضرورت‌های برگزاری آن کنگره‌ها را نمی‌دانم، نمی‌توانم درباره برگزار شدن یا نشدندش نظر بدهم، اما معتقدم این‌ها مانع‌الجمع نیستند. همان‌گونه که دفاع مقدس مربوط به قشر خاصی نبوده و از ارزش تا مخبرات، از آموزش و پرورش تا اداره کشاورزی در آن مشارکت داشته اند، همه خود را در آن سهیم می‌دانند و سخت است که بگوییم شما کنگره برگزار نکنید تا ما برگزار کنیم، اما با شما هم عقیده ام که اگر این‌ها سازمان یافته تر و جهت یافته تر باشند و با مدیریتی تقریباً واحد، با مدیریتی معطوف به هدف و تحت مدیریت ستادی با هماهنگی بیشتر، برگزار شود می‌تواند هم افزایی و مخاطب هدف بیشتری داشته باشد.

◆ شما در راه اندازی رشته کارشناسی ارشد ادبیات دفاع مقدس مؤثر بودید. برآیند آکادمیک ادبیات دفاع مقدس در این مدت چه بوده‌است؟

چند سال پیش دوستان در پژوهشگاه دفاع مقدس بنیاد به این نتیجه رسیدید بودند که این رشته را ایجاد کنند. راه اندازی یک رشته دانشگاهی یک چیز است و مجاب کردن دانشگاه و فراهم کردن محتوا هر کدام یک بحث جداگانه است. یک شورای مرکزی به این منظور در پژوهشگاه تشکیل شد که دبیرش آقای دکتر سنگری بودند. در حیطه‌های مختلف بحث می‌شد که برای سرفصل‌های مختلف درسی برنامه ریزی شود و کتابهایی در این حوزه تألیف شود. کتاب‌های خوبی هم تولید شد، خود من کتابی درباره شیوهای تحقیق و پایان نامه نویسی نوشتم. این رشته در چندین دانشگاه تأسیس شد؛ دانشگاه‌های شهید بهشتی، تهران، سمنان، آزاد اسلامی‌واحد جنوب تهران و چهارمحال و بختیاری. کار خوبی هم بود و استادان خوبی هم در این دانشگاه‌ها تدریس می‌کردند اما پس از چهار پنج سالی جلست تشکیل نشده است ولی می‌دانم هنوز برخی دانشگاه‌ها ادامه می‌دهند.

آگهی ابلاغ اوراق مالیاتی

دراجرای مادهٔ ۲۰۸ قانون مالیاتهای مستقیم مصوب اسفندماه ۱۳۶۶ بدینوسیله برگ دعوت به هیات حل اختلاف ، با مشخصات زیر به مؤدیان ذیربط ابلاغ می گردد تا در زمان و مکان تعیین شده

مراجعة و نسبت به رفع اختلاف احتمالی برابر مقررات اقدام نمایند ، بدیهی است در صورت عدم مراجعه طبق موازین قانونی رفتار خواهد شد .

ردیف	کلاس	نام مؤدی	سال عملکرد	شماره و تاریخ برگ	نوع برگ	منبع مالیاتی	بلغ مالیات به ریال	تاریخ مراجعه	محل مراجعه
۱۹۱	۱۹۳۰۱۱/۱۵۹	سیدمحمدی حسینی	۱۳۹۲	۱۰۶۵۴۷-۱۰۶۵۴۹/۰۶/۱۳۹۷	تفخیص	مشاغل	۲۹,۰۸۰,۹۳۰	سی روز از تاریخ درج در روزنامه	قاسم آباد-میدان مادر واحد مالیاتی-۱۹۳۰
۱۹۲	۱۹۳۰۳۱/۰۵۴	مجتبی علی لکریان	۱۳۹۵	۱۰۶۷۸۳-۱۰۶۷۰۵/۰۶/۱۳۹۷	تفخیص	مشاغل	۳۱,۷۶۵,۶۸۰	سی روز از تاریخ درج در روزنامه	قاسم آباد-میدان مادر اداره امور مالیاتی-۱۹۳۰
۱۹۳	۳۰۳۱/۱۵۲	محمد چقاچایی	۱۳۹۵	۱۰۶۷۳۴-۱۰۶۷۰۵/۰۶/۱۳۹۷	تفخیص	مشاغل	۵,۹۷۸,۷۶۰	سی روز از تاریخ درج در روزنامه	قاسم آباد-میدان مادر اداره امور مالیاتی-۱۹۳۰
۱۹۴	۳۰۳۱/۱۵۰	مصدق محمدی	۱۳۹۵	۱۰۶۷۳۶-۱۰۶۷۰۵/۰۶/۱۳۹۷	تفخیص	مشاغل	۵,۲۲۶,۴۳۰	سی روز از تاریخ درج در روزنامه	قاسم آباد-میدان مادر اداره امور مالیاتی-۱۹۳۰
۱۹۵	۳۰۳۱/۱۵۱	جواد شکویی	۱۳۹۵	۱۰۶۷۳۸-۱۰۶۷۰۵/۰۶/۱۳۹۷	تفخیص	مشاغل	۷,۲۱۴,۶۷۰	سی روز از تاریخ درج در روزنامه	قاسم آباد-میدان مادر اداره امور مالیاتی-۱۹۳۰
۱۹۶	۳۰۳۱/۱۵۴	احمد وحشتی	۱۳۹۵	۱۰۶۷۴۰-۱۰۶۷۰۵/۰۶/۱۳۹۷	تفخیص	مشاغل	۴,۴۸۱,۵۳۰	سی روز از تاریخ درج در روزنامه	قاسم آباد-میدان مادر اداره امور مالیاتی-۱۹۳۰
۱۹۷	۱۹۳۰۳۱/۰۵۳	امین رضاییپور	۱۳۹۵	۱۰۶۷۴۲-۱۰۶۷۰۵/۰۶/۱۳۹۷	تفخیص	مشاغل	۸,۹۸۴۴۶۰	سی روز از تاریخ درج در روزنامه	قاسم آباد-میدان مادر اداره امور مالیاتی-۱۹۳۰
۱۹۸	۱۹۳۰۳۱/۰۵۳	امین رضاییپور	۱۳۹۴	۱۰۶۷۴۹-۱۰۶۷۰۵/۰۶/۱۳۹۷	تفخیص	مشاغل	۱۴,۱۸۹,۳۱۰	سی روز از تاریخ درج در روزنامه	قاسم آباد-میدان مادر اداره امور مالیاتی-۱۹۳۰
۱۹۹	۱۹۳۰۳۱/۰۵۳	امین رضاییپور	۱۳۹۳	۱۰۶۷۴۶-۱۰۶۷۰۵/۰۶/۱۳۹۷	تفخیص	مشاغل	۳۴,۷۹۰,۰۳۰	سی روز از تاریخ درج در روزنامه	قاسم آباد-میدان مادر اداره امور مالیاتی-۱۹۳۰
۲۰۰	۱۹۳۰۳۱/۰۳۷	علیرضا محمودیان فرد	۱۳۹۵	۱۰۶۷۴۹-۱۰۶۷۰۵/۰۶/۱۳۹۷	تفخیص	مشاغل	۶۶,۳۵۶,۶۰۰	سی روز از تاریخ درج در روزنامه	قاسم آباد-میدان مادر اداره امور مالیاتی-۱۹۳۰
۲۰۱	۱۹۳۰۳۱/۰۳۹	ابراهیم غلانی	۱۳۹۵	۱۰۶۷۵۱-۱۰۶۷۰۵/۰۶/۱۳۹۷	تفخیص	مشاغل	۱۵,۰۳۴,۴۳۰	سی روز از تاریخ درج در روزنامه	قاسم آباد-میدان مادر اداره امور مالیاتی-۱۹۳۰
۲۰۲	۱۹۳۰۳۱/۰۴۰	حسین علی مدد	۱۳۹۵	۱۰۶۷۵۳-۱۰۶۷۰۵/۰۶/۱۳۹۷	تفخیص	مشاغل	۹,۵۸۳,۸۴۰	سی روز از تاریخ درج در روزنامه	قاسم آباد-میدان مادر اداره امور مالیاتی-۱۹۳۰
۲۰۳	۱۹۳۰۳۱/۰۴۲	اسماعیل عسکری	۱۳۹۵	۱۰۶۷۵۶-۱۰۶۷۰۵/۰۶/۱۳۹۷	تفخیص	مشاغل	۹,۸۳۹,۱۵۰	سی روز از تاریخ درج در روزنامه	قاسم آباد-میدان مادر اداره امور مالیاتی-۱۹۳۰
۲۰۴	۱۹۳۰۳۱/۰۴۳	حبیب الله جم خراسانی	۱۳۹۵	۱۰۶۷۵۹-۱۰۶۷۰۵/۰۶/۱۳۹۷	تفخیص	مشاغل	۶۵,۹۷۱,۶۳۰	سی روز از تاریخ درج در روزنامه	قاسم آباد-میدان مادر اداره امور مالیاتی-۱۹۳۰
۲۰۵	۱۹۳۰۳۱/۰۴۴	رضا طاهریان	۱۳۹۵	۱۰۶۷۶۲-۱۰۶۷۰۵/۰۶/۱۳۹۷	تفخیص	مشاغل	۶,۱۶۱,۵۳۰	سی روز از تاریخ درج در روزنامه	قاسم آباد-میدان مادر اداره امور مالیاتی-۱۹۳۰
۲۰۶	۱۹۳۰۳۱/۰۴۵	علی رستمی	۱۳۹۵	۱۰۶۷۶۶-۱۰۶۷۰۵/۰۶/۱۳۹۷	تفخیص	مشاغل	۱۶,۴۳۱,۳۸۰	سی روز از تاریخ درج در روزنامه	قاسم آباد-میدان مادر اداره امور مالیاتی-۱۹۳۰
۲۰۷	۱۹۳۰۳۱/۰۴۶	محمود خیرآبادی	۱۳۹۵	۱۰۶۷۶۸-۱۰۶۷۰۵/۰۶/۱۳۹۷	تفخیص	مشاغل	۲,۴۳۰,۶۴۰	سی روز از تاریخ درج در روزنامه	قاسم آباد-میدان مادر اداره امور مالیاتی-۱۹۳۰
۲۰۸	۱۹۳۰۳۱/۰۴۷	صیدرضا مصروی علی آباد	۱۳۹۵	۱۰۶۷۷۰-۱۰۶۷۰۵/۰۶/۱۳۹۷	تفخیص	مشاغل	۶۹,۷۲۵,۵۵۰	سی روز از تاریخ درج در روزنامه	قاسم آباد-میدان مادر اداره امور مالیاتی-۱۹۳۰
۲۰۹	۱۹۳۰۳۱/۰۴۸	محمد خورسند شریف زاده	۱۳۹۵	۱۰۶۷۷۲-۱۰۶۷۰۵/۰۶/۱۳۹۷	تفخیص	مشاغل	۵,۶۲۶,۸۷۰	سی روز از تاریخ درج در روزنامه	قاسم آباد-میدان مادر اداره امور مالیاتی-۱۹۳۰
۲۱۰	۲۲/۳۴۶	محمدرضا گندمی	۱۳۹۵	۱۰۵۸۳۶-۱۰۶۷/۰۶/۱۳۹۷	تفخیص	مشاغل	۸,۲۴۸,۸۵۰	سی روز از تاریخ درج در روزنامه	قاسم آباد-میدان مادر اداره امور مالیاتی-۱۹۳۰
۲۱۱	۲/۰۴۹	قاسم مصطفی گرو	۱۳۹۵	۱۰۵۸۶۰-۱۰۶۷/۰۶/۱۳۹۷	تفخیص	مشاغل	۱۷,۳۶۱,۶۲۰	سی روز از تاریخ درج در روزنامه	قاسم آباد-میدان مادر اداره امور مالیاتی-۱۹۳۰
۲۱۲	۲/۰۷۰	یوش سلطانی	۱۳۹۵	۱۰۵۸۶۸-۱۰۶۷/۰۶/۱۳۹۷	تفخیص	مشاغل	۲۶,۰۵۶,۶۴۰	سی روز از تاریخ درج در روزنامه	قاسم آباد-میدان مادر اداره امور مالیاتی-۱۹۳۰
۲۱۳	۴۴/۲۱۳	محمدعلی رضایی	۱۳۹۵	۱۰۵۸۷۴-۱۰۶۷/۰۶/۱۳۹۷	تفخیص	مشاغل	۳۱,۰۱۷,۴۳۰	سی روز از تاریخ درج در روزنامه	قاسم آباد-میدان مادر اداره امور مالیاتی-۱۹۳۰
۲۱۴	۱۴/۰۶۹	برائتی وثیقه‌دان	۱۳۹۵	۱۰۵۸۸۷-۱۰۶۷/۰۶/۱۳۹۷	تفخیص	مشاغل	۳۶,۱۴۸,۱۴۰	سی روز از تاریخ درج در روزنامه	قاسم آباد-میدان مادر اداره امور مالیاتی-۱۹۳۰
۲۱۵	۲/۳۰۱	علی رضایی	۱۳۹۵	۱۰۵۸۹۳-۱۰۶۷/۰۶/۱۳۹۷	تفخیص	مشاغل	۴۳,۹۸۸,۲۲۰	سی روز از تاریخ درج در روزنامه	قاسم آباد-میدان مادر اداره امور مالیاتی-۱۹۳۰
۲۱۶	۱۴/۱۷۸	احسان علیزایی رادخیز	۱۳۹۵	۱۰۵۸۹۶-۱۰۶۷/۰۶/۱۳۹۷	تفخیص	مشاغل	۷,۵۶۸,۳۰۰	سی روز از تاریخ درج در روزنامه	قاسم آباد-میدان مادر اداره امور مالیاتی-۱۹۳۰
۲۱۷	۳۰۳۱/۱۷۶	جلیل ظریفی	۱۳۹۵	۱۰۶۴۲۶-۱۰۶۷/۰۶/۱۳۹۷	تفخیص	مشاغل	۲,۲۴۶,۱۸۰	سی روز از تاریخ درج در روزنامه	قاسم آباد-میدان مادر اداره امور مالیاتی-۱۹۳۰
۲۱۸	۱۹۳۰۳۱/۰۵۴	موشنگ صفری	۱۳۹۵	۱۰۶۱۵۹-۱۰۶۷/۰۶/۱۳۹۷	تفخیص	مشاغل	۵,۷۷۹,۹۷۰	سی روز از تاریخ درج در روزنامه	قاسم آباد-میدان مادر اداره امور مالیاتی-۱۹۳۰
۲۱۹	۳۰۰۸۵/۰۰۰	یوسف حبیبی افشاری	۱۳۹۵	۱۰۶۷۷۶-۱۰۶۷/۰۶/۱۳۹۷	تفخیص	مشاغل	۱۴,۴۴۸,۴۶۰	سی روز از تاریخ درج در روزنامه	قاسم آباد-میدان مادر اداره امور مالیاتی-۱۹۳۰
۲۲۰	۱۳/۱۰۲	سیدمحمد عسکریزاده خراسانی	۱۳۹۵	۱۰۶۷۷۸-۱۰۶۷/۰۶/۱۳۹۷	تفخیص	مشاغل	۳۷,۸۹۴,۶۸۰	سی روز از تاریخ درج در روزنامه	قاسم آباد-میدان مادر اداره امور مالیاتی-۱۹۳۰
۲۲۱	۳۰۰۴۴/۰۰۰	لیلا نورانی	۱۳۹۵	۱۰۶۷۸۰-۱۰۶۷/۰۶/۱۳۹۷	تفخیص	مشاغل	۱۷,۳۰۵,۲۷۰	سی روز از تاریخ درج در روزنامه	قاسم آباد-میدان مادر اداره امور مالیاتی-۱۹۳۰
۲۲۲	۱۰۵۶/۰۰۰	رفشان رضایی قار قاز	۱۳۹۵	۱۰۵۹۴۹-۱۰۶۷/۰۶/۱۳۹۷	تفخیص	مشاغل	۵۰۲۹,۵۸۰	سی روز از تاریخ درج در روزنامه	قاسم آباد-میدان مادر اداره امور مالیاتی-۱۹۳۰

روابط عمومی اداره کل امور مالیاتی خراسان رضوی

نذر ارباب



هزار منزل فاصله داریم

ایستگاه/ حسین احمدی، ما را ببخش یا بن الحسن(ع)... ما را که جدا افتاده‌ایم از وصال...

ما را که زیر عَلمِ جدتان، زیر بیرق‌ها و کتیبه‌های مُحرم سینه می‌زنیم و سیاه سوگ می‌پوشیم، اما صاحب عزا را گم کرده ایم!

ما را ببخش که در تکلیا نمی‌شنویم کسی جزین‌بارتر از همه، زیارت ناحیه مقدسه می‌خواند، کسی، غرق غم‌های قدر است، کسی، کرپلا و عاشورا را می‌بیند... کسی، سبید و سیزده یار ندارد و هزار و چهارصد سال می‌شود که چشم انتظار است.

صاحب عزا! ما را برای لیلیک‌های نحیف مان ببخش... ما را که در قنوت این شب‌ها، زیاد «یا عمه سادات» سر نداده‌ایم و دست پر آسمان عشق، «یارب یارب» نگفته‌ایم... ما را که هر سرباز و یاور نشده‌ایم... تسلا نشده‌ایم! و تا ارادت و توبه خَرّ هزار منزل فاصله داریم!

آن روزها

دو روز پس از ۱۱ سپتامبر



ایستگاه، احجت الاسلام سید کمیل باقرزاده یک فعال رسانه‌ای است که در دانشگاه امام صادق(ع) هم تدریس می‌کند. آقای باقرزاده یادداشت جالبی از دیدارش با رهبر انقلاب در اینستاگرام منتشر کرده که خواندنش خالی از لطف نیست:

... ۲۳ شهریور ۸۰... دو روز پس از حوادث جنجالی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱... رهبر انقلاب اسلامی، در حالی‌به روال همیشگی جمعه‌ها، به کلکچال آمده بودند که تنها دو روز پیش از آن، به تعبیر سران کلخ سفید، دنیا وارد مرحله تازه‌ای شده بود! اضطراب عجیبی همه را فراگرفته بود و هر کس به نوعی سعی داشت آنچه رخ داده را تحلیل و آینده مبهم پیش‌رو را پیش‌بینی کند. اما آقا صبح جمعه، پیش از آنان به تپه نورالشهدا رفته بودند، چه بسا نماز صبح را در جوار شهدای گمنام که تازه دفن شده بودند خوانده و بعد به سمت اردوگاه کلکچال صعود کرده بودند. در سرسرید سال ۸۰، روز جمعه ۲۳ شهریور نوشته‌ام: «امروز توفیق الهی نصیب این بنده به مقدار شد و چشمان ناایق‌به جمال نورانی رهبر عزیزتر از جانم روشن گشت و در محضر هشت قانون نورالشهدا، ناباورانه بر دستان پر مهر و عطوفتش بوسه زدم... ماجرا از این قرار بود که با یک دوست عزیز قصد کردیم برای زیارت شهدای گمنام به نورالشهدا برویم، وقتی نزدیک شهدا رسیدیم، احساس کردم فضا کمی غیرعادی است! راستش یکی از محافظان آقا رو که پایین تپه نورالشهدا ایستاده بود شناسایی کردیم، یقین داشتیم که آقا همینجاست! در مسیر ایستادیم و لحظاتی بعد، از کوه آمده‌ایم که با ما مواجه شدیم! مثل پچه‌های کوچک، خود را در آغوش آقا انداختیم! دستشان را بوسیدیم و اشک شوق ریختیم... آقا همچون پدری مهربان، لحظاتی برای ما توقف کردند و احوال ما را پرسیدند و اینکه کجاپید و چه می‌خوانید و چه می‌کنید. بعد هم تحسین‌مان کردند که به کوه آمده‌ایم، وقتی حرکت به سمت پایین آغاز شد، از آقا فنن گرفتیم که در معیت‌شان باشیم! باید می‌بودید و صحنه‌هایی که ما می‌دیدیم را می‌دیدید! برخورد آقا با کوهنوردان و خصوصاً آن‌ها که ظاهر مذهبی نداشتند دیدنی بود. سلامی گرم و خدا قوتی ورزشکارانه! و آنچه دیدنی‌تر بود و خود آقا نمی‌دیدند و ما که پشت سر بودیم می‌دیدیم، واکنش همین جوان‌های به ظاهر غیر مذهبی بعد از عبور آقا بود! وقتی آقا به ایستگاه آخر رسیدند، جمعیت زیادی از جوان‌ها داخل ایستگاه نشسته بودند و استراحت می‌کردند. ناگهان آقا وارد جمعیت شدند، همه بی‌اختیار ایستادند و هاج و واج نگاه می‌کردند! انگار هنوز باورشان نشده بود که رهبر انقلاب را در این‌جا می‌بینند! یکی از وسط جمعشان با صدای داش منمیر بلند گفت: سلامتش صلوات! همه صلوات فرستادند. آقا هم خوش و بشی با کوهنوردان کردند و رفتند به سمت مامشین.

نشریات جهان

ایستگاه/ **امیر محمد سلطان پور**

آن چیزی که فکر می‌کنید، نیستید!

هفته‌نامه نیوساینتیست در تازه‌ترین شماره خود نگاهی جالب به یکی از فریب‌های ذهنی انسان انداخته است. این نشریه در گزارش خود با عنوان «توهم تو» می‌گوید احساسی که انسان‌ها در مورد خود دارند کاملاً اشتباه و یک فریب از طرف ذهن آن‌هاست. نیوساینتیست همچنین در مقاله‌ای با عنوان «تجدید حیات هیدروژنی» می‌گوید بعد از امتحان مقاله‌ای با عنوان «تجدید حیات هیدروژنی» می‌گوید بعد از امتحان موفقیت‌آمیز استفاده از الکترسیسته در خودروها به جای بنزین، استفاده مناسب از هیدروژن می‌تواند بازار سوخت خودرو را به کلی دگرگون کند.

گزارش از شخص

نویسندهای که سایه‌اش ماند

نگاهی به زندگی و فعالیت‌های «احمد بیگدلی»

ایستگاه/ مجید تربت زاده،

از آن دست سسوّه‌هایی است که بدون مناسبت هم می‌شود درباره‌اش نه فقط گزارش از شخص که اثر زمان نوشت. «احمد بیگدلی» خودش یک «رمان» است؛ رمانی که به قول خودش «دیر بیدار می‌شود!» او در حال و هوا و فضایی زندگی می‌کند که دستی به فکر تکان دادن و بیدار کردنش نیست. همین می‌شود که تازه در ۶۱ سالگی، دست قضا و قدر بیدارش می‌کند... در ۶۱ سالگی انگار احمد نویسنده با «اندکی سایه» متولد می‌شود، جایزه می‌برد، اسمش سر زبان‌ها می‌افتد و به قول امروزی‌ها کشف می‌شود.

درست وقتی که حس می‌کند پیر شده است... حس می‌کند این همه سال، نوشتن، نوشتن و نوشتن، بدجور پیرش کرده است! احمد بیگدلی پس از تولد دومش، فقط هشت سال دیگر فرصت نوشتن پیدا کرد و ۲۶ شهریور ۱۳۹۳ قلبش دیگر نتوانست با به پای قلمش راه بیابد... سِرِّق بازی در آورد و از تپیدن ایستاد.

کَرم کتاب

در زندگیمان‌هاش نوشته‌اند، نویسندگی را از سال ۱۳۴۷ در لاهیجان و پس از استخدام در آموزش و پرورش آغاز کرد. یعنی «احمدی» که سال ۱۳۲۴ در اهواز به دنیا آمد، از پنج سالگی به اقتضای شغل پدر به «آغاچاری» رفت، دیپلمش را از دبیرستان «فرهنگ» اهواز گرفت، یک سال بعد با یکی از دختران فامیل ازدواج کرد، چند ماه بعد به خدمت سربازی رفت و سپاهی دانش یکی از روستاهای کرمان شد، در ۲۲ سالگی با چاپ نخستین داستانش در مجله «فردوسی»، داستان نویس شده است، خودش اما چند سال پیش از مرگ در مصاحبه‌ای، آغاز نویسنده شدنش را مربوط به سال اول دبیرستان دانست که دانش آموزان بزرگ‌تر دبیرستانی برای نوشتن نامه‌های عاشقانه به او رو می‌انداختند! اصل ماجرا و توانایی نوشتنش هم برمی‌گشت به پدری که بشدت اهل کتاب بود، بخش‌هایی از شاهنامه و دیوان حافظ را حفظ کرده بود و اغلب با دستی پر از مجله و روزنامه به خانه می‌آمد.

پس خیلی جای تعجب نداشت که فرزند چنین پدری، بعدها از پدرش هم کتابخوان‌تر بشود، در شب نشینی‌های فامیلی وقتی هنوز ۱۰ سال دارد «امیر ارسلان نامدار» بخواند، آخر هر ماه به آبا‌دان برود و با پول‌های تو جیبی و پس انداز شده‌اش، چند کیلو کتاب از «کتاب‌فروش‌های کیلویی» بخرد و خلاصه در نوجوانی بشود کَرم کتاب!

چهارصد و چهل و چهار هزار ...

سه یا چهار سال پس از چاپ نخستین داستانش، نه اینکه قید نوشتن را بزند اما داستان نویسی را رها می‌کند و تا مدت‌ها به نمایشنامه نویسی و نقدهای سینمایی می‌پردازد. سال ۱۳۵۶ با نمایشی که در جشنواره تئاتر شهرستان‌ها از او به روی صحنه می‌رود، نزدیک است که «احمد بیگدلی» به عنوان نمایشنامه نویس آن‌قدر شهرت پیدا کند که

داستان نویسی‌اش فراموش بشود.

اما ذوق و علاقه به داستان‌نمی‌گذارد و «احمد» دوباره به دنیای مورد علاقه‌اش بر می‌گردد.

یک سال پیش از انقلاب به دانشکده هنرهای دراماتیک می‌رود و از سال ۱۳۶۰ اما درس و دانشگاه را رها می‌کند و با حرفه معلمی در «بزدانشهر» نجف آباد به زندگی و نوشتن مشغول می‌شود.

فعالیت‌های او به جز نوشتن (اگر داوری هایش را در چند دوره جشنواره‌های داستان نویسی در نظر بگیریم) همان معلمی کردن است که با وجود بازنشتگی در دهه ۷۰، در دانشگاه‌ها و آموزشگاه‌های مختلف ادامه پیدا می‌کند. آن هم چون – به قول خودش– زندگی و نان خوردن، فقط از راه داستان نویسی در ایران ممکن نیست.

برای اینکه باور کنید، ی‌آدآوری می‌کنیم که «احمد بیگدلی» پس از به شهرت رسیدن با «اندکی سایه» وقتی در سال ۱۳۸۷ کتاب «آوای نهدنگ»‌اش جایزه کتاب فصل را می‌برد بابت چاپ و انتشار آن، باز هم به قول خودش فقط: «چهارصد و چهل و چهار هزار و ششصد تومان» نصیبش می‌شود!

شما در وِترین نیستید

واضح است که آنچه بالاتر گفتیم و آنچه درباره‌اش نوشته و گفته‌اند، همه زندگی او نیست.

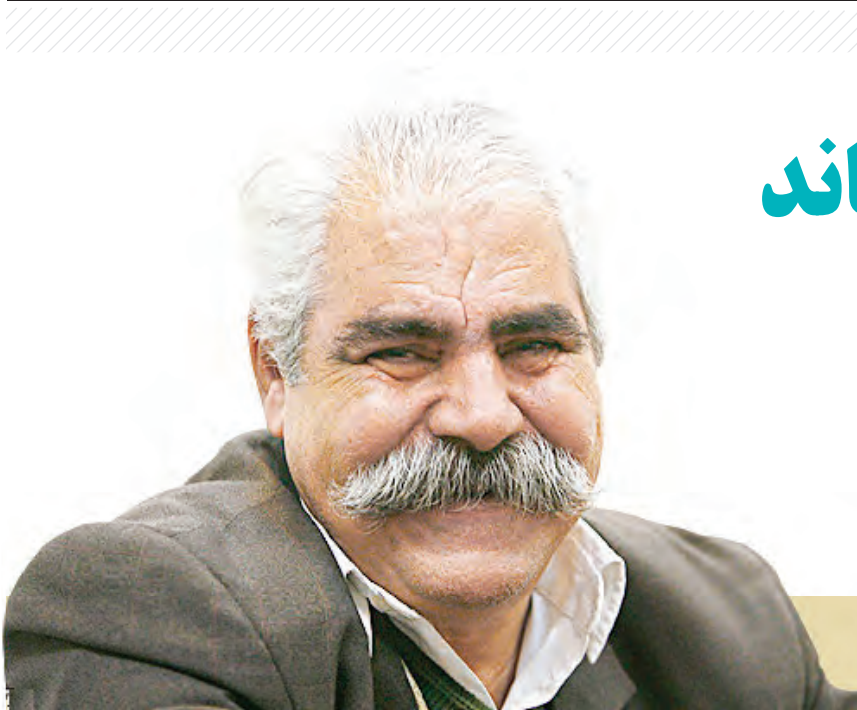
«احمد بیگدلی» از آن نویسنده‌های بشدت مشهوری نیست که پیش و پس از مرگ، دیگران و با خودش بارها و بارها، کودکی، نوجوانی و جوانی و زندگی‌اش را شخم زده و کاویده باشند.

به قول برخی از ناشرهای پایتخت که گفته بود «شما در وترین نیستید»، احمد بیگدلی نه در اوج شهرت چند ساله‌اش و نه پس از آن نویسنده‌ای «وِترینی» نبود. خبرنگارها و گزارشگران هم فقط از سال ۸۵ تا ۹۳ فرصت پیدا کردند، سراغ نویسنده‌ای سایه نشین و در حاشیه بروند که در بخش کوچکی، کنار یک شهر کوچک، بی سر و صدا، نوشتن را زندگی می‌کرد.

با شهرت و بی شهرت، «بیگدلی» به اعتراف خودش آدم گوشه گیر، بی سر و صدا و بی حاشیه‌ای بود. مختصر حاشیه‌ها را هم سال ۸۵ به بعد برخی منتقدان و جریان‌های ادبی در تسویه حساب‌هایی که با هم داشتند، برایش ساختند. انتخاب «اندکی سایه» به عنوان کتاب سال آن‌قدر برای آن‌ها بستنکین بود که «بیگدلی» را به توده‌ای بودن، یهودی بودن و همگامی با صهیونیسم جهانی متهم کردند!

تواضع پشت آن سیل بزرگ!

انتخاب «اندکی سایه» به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی را باید یک نویسنده با حوصله پیدا شود و داستانش کند. ما چون آن‌قدرها حوصله نداریم، آن را از زبان داور آن دوره از کتاب سال یعنی مرحوم «فیروز زنوزی جلالی» روایت می‌کنیم: «آن دوره، مصادف با حضور رمان دیگری



دارم و به همین خاطر است که حرص می‌زنم و خودم را هلاک می‌کنم؛ عاشق تدریس هم هستم... با این کار شوق می‌کنم... دوست دارم داستان‌نویسی درس بدهم... نسل منم که درم جمع می‌شوند انگار تکه‌هایی از آن‌ها کنده می‌شود و به من اضافه می‌شود و آن وقت یادم می‌رود که ۶۶ سال دارم، احساس جوانی می‌کنم. تلاش می‌کنم روزهای رفته‌تر را جبران کنم من روزهای رفته بسیاری داشتم و یکی از دلایش هم سیاسی بودن سال‌های قبل از انقلاب است...».

پشیمان نمی‌شود

با همه دلخوری‌هایش از برخی جریان‌ات ادبی، با همه گلایه‌هایی که داشت، با همه سختی‌هایی که می‌گفت برای گرفتن مجوز چاپ آثارش پشت سر گذاشته و با وجود اینکه گفته بود: «دوست دارم جسوری بمیرم که نفهم مُردم» و صِبت‌نامه‌اش را هم نوشته و نوشته روی سنگ قبر را هم مشخص کرده بود، حتی دعوت‌نامه‌ای را که قرار بود برای مراسم سوم و هفتم ... بنویسند، آمده کرده بود، اما دیگر کارهایش نشان نمی‌داد تسلیم پیری و مرگ شده باشد. چند ماه پیش از مرگ در نمایشگاه بین المللی کتاب درباره اینکه ویلاگ راه انداخته و دارد با این کار حاشیه‌نشینی و دور بودن از تهران را جبران می‌کند به خبرنگاران گفته بود: «من نویسنده خوبی هستم. ۴۰ سال برای نثر و داستان‌نویسی‌ام زحمت کشیده‌ام. ذهنم پر از موضوعات گوناگون و شگفت‌انگیز است... متأسفانه وقتی بخت به سراغ من آمد که ۶۳ سال از عمرم گذشته بود. این‌جسوری من لطمه خوردم... مدت‌ها بعد از سال ۸۵ یادشان افتاد که من می‌توانم داوری کنم... ویلاگ راه انداخت‌ام ولی کافی نیست.

شگردهای استفاده از رایانه را بلد نیستم. تازه یاد گرفته‌ام با رایانه تایپ کنم.

نمی‌دانم چرا دوست ندارم داستانم را بفرستم آن ور آب. می‌گویم شکایت دوست را نباید برد پیش دشمن. این گناه من نیست، مرام من است. می‌خواهم آدم مستقلی باشم. بنابراین در لای‌ها نمی‌نویسم. هر کس نوشته‌های من را بخواند پشیمان نمی‌شود...».

روزمره‌نگاری

چند مُشت‌کاه از انبار عولفه

ایستگاه / رقیه توسلی، ذوق می‌کنیم که کاروا به سرعت برق تمام می‌شود و تعداد شرکت‌کنندگان بالااست.

فعالان زیست محیطی، توضیح ۱۰ دقیقه‌ای می‌دهند از باب آشنایی و اهداف همگاری... بعد با کیسه زباله و دستکش یکبار مصرف، تقسیم می‌شویم به چند گروه... و قسه به همین راحتی کلید می‌خورد.

تکاپوی «فریش» عالی است و اضافه‌با جمله پشت لباسش هماهنگ است، آنجا که نوشته شده: من یک محیط زیستی‌ام.

لباوان و قلیق و طرفه‌های پلاستیکی را می‌ریزم توی کیسه و حرف سرپرست گروه را که گفت افزایش ۳۰۰ درصدی استفاده از ظروف یکبار مصرف در ایام محرم را، ناباورانه لب ورمی‌چینم. ما عضو اضافه‌شده مردمی به گروهیم و پشت کارورمان آمده، «پوش عزاداران حسینی». بهاره جان، من و آقای همسر.

تا چشم کار می‌کند، لشکر ظروف یکبار مصرف است. انگار شهر را داده‌اند با آن‌ها دیزاین و آرایش کنند. ردبایشان همه جا هست؛ توی جوی‌ها، کنار مخازن زباله، وسط گلکاری معابر، ایستگاه اتوبوس و اطراف هیئت‌ها و تکایا.

هر چه بشیوری می‌کنیم، بیشتر با خودم کلنجار می‌روم یعنی راست‌تری پشت این کار چیست آخر؟ پشت ریختن این همه زباله؟ چراهای غلیظ، دست از سرم برمی‌دارد. دوره می‌کنم با خودم که نذر چای و شربت و شیر و عدسی و حلوا خوب است اما با لحاظ شرایط فرهنگی اش؛ یعنی نذری دهنده و نذری خورنده، تا انتها مسئول بلدنم‌خود.

بعد گذشت یک ساعت و اندی کیسه‌هایمان پُر می‌شود و مسرور از اینکه تَه شبی، قدم خیری برداشته‌ایم سر بلند می‌کنیم. اما به سرعت حاملمان ناخوش می‌شود.

کاری که تیم عفرمه ما انجام داده بود بی شباهت به برداشتن چند مُشت‌کاه از انبار عولفه نبود.

خسته و غمگین از جمع عزیزان محیط زیستی خداحافظی می‌کنیم با حالی که اندازه خوب و بدش برابر است.

ساعت از یک شب می‌گذرد و «آفرینش» با ما برنمی‌گردد خانه. می‌خواهد بماند و با گروه‌شان کار را بکسره کند. ما سه نفر اما در راه برگشت با دو سؤال دست به گریزیم:

۱- تا کی کارگران شهرداری، نامهربانی و بی‌فرهنگی ما را جارو بکشند؟

۲- با کمالات، دور ریزهایش را ایا رها می‌کند وسط شهر؟

بازی‌های «آبرانگ»

ایستگاه / بازی‌های دسته جمعی «آبرانگ» که از هنرهای نمایشی متداول در کره شمالی است هر ساله در اوایل ماه اوت آغاز می‌شود و حدود ۱۰ سپتامبر پایان می‌یابد این بازی‌ها اسمال پس از وقفه‌ای پنج ساله، همزمان با جشن ۷۰ سالگی تأسیس کره شمالی، در ورزشگاه «انگاردو فرست او می»، مهم‌ترین ورزشگاه کره شمالی و بزرگ‌ترین ورزشگاه دنیا روی صحنه رفت. پایگاه «شتال جوگرافیک» که مشهورترین پایگاه اینترنتی عکاسی به حساب می‌آید، تصویر روزش را به مراسم افتتاحیه این بازی‌ها اختصاص داد. امسال در مراسم افتتاحیه این جشنواره، بیش از ۳۰ هزار دانش آموز با در دست گرفتن کارتهای بزرگ، تصاویر موزاییکی ساختند. تصویر روز نشنال جوگرافیک را مشاهده می‌کنید.

همه رو دیوونه کرد!



نوه کوچک او، در اینستاگرامش نوشت: «رضوانه نوه حاج منصور است. پدرش دو سال قبل به رحمت خدا رفت. او خادم الحسین بود و امروز هم سر فرزندش جای خالی او را در هیئت پر کرده‌اند. دیشب سالگرد شهدای مسجد اُرک بود و حاجی که این روزها خیلی دلسوخته است روضه عبدالله بن حسن رو خوند و همه رو دیوونه کرد!»

اعتراض به هتک حرمت محرم



ایستگاه -چند روز پیش و همزمان با روز سوم ماه محرم روزنامه صدای اصلاحات گزارشی از تغییر جنسیت یک نفر را در صفحه اول خودش منتشر کرد. این روزنامه نوشت: «رقیه» بعد از ۲۲ سال مهدی شد. بسیاری از چهره‌های شاخص این گزارش را توهین به حضرت رقیه(س) تلقی کردند. بعد از این، اعتراض‌ها به این گزارش روزنامه اصلاح طلب آن‌قدر بالا گرفت که منجر به توقیف این روزنامه هم شد. پس از این موضوع جمعی از زنان در واکنش به هتک حرمت ماه محرم، به خیابان آمدند و پلاکاردهای اعتراضی در دست گرفتند. کاربران فضای مجازی هم با انتشار هشتگ **#آتش_به_اختیار** اعتراض خودشان را به گوش رسانه‌ها رساندند.